

عید سعید روشن هشانرا که روز فرخنده
اول سال است بعموم افراد اسرائیل

نشانی:

خیابان چرچیل
کوچه گلکار شماره ۷

بها ۷ ریال

جایزه

قسمت ۸

گردآورنده:

مهندس اوستانی
حبيب الله لای

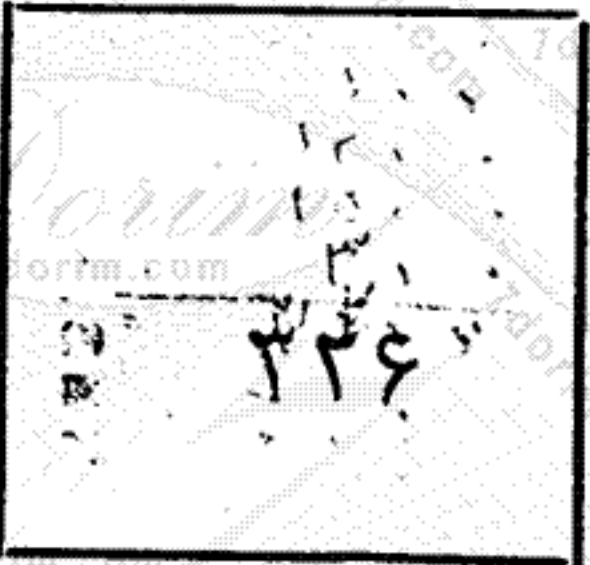
بريك ميگوئيم و از خداوند
معاذتمدي همه را خواستاريم

جایزه

برنده جایزه قسمت پنجم
این کتاب دارنده شماره
۴۴۹
می باشد که با ارائه قسمت
پنجم این کتاب مبلغ یکصد
ریال نقداً پرداخت می شود

«یکصد ریال جایزه»

برای هر قسمت از این
کتاب که منتشر میشود یکصد
ریال جایزه تخصیص داده
شده است بدین طریق که هر
قسمت این کتاب دارای امره
ای خواهد بود و بین امرات
قرعه کشی خواهد شد پس این
صحنات را نگهداری و بخت
خود را بازمالید باید یکصد
ریال نصیب شما گردد.



برنده این قسمت در
قسمت نهم اعلام میشود

بزرگترین مسابقه دوچرخه سواری

از کرج الی تهران بمسافت ۳۶ کیلومتر
از ظرف کلوب ورزشی اردن
سه گلدان نقره نفیس

برای برندگان نقرات اول و دوم و سوم
بجایزه گذاشته شده است
نام نویسی تا ۲۰ شهریور و روز جمعه ۲۲ شهریور مسابقه
انجام میگردد برای کسب اطلاعات بیشتری بمحل کلوب واقع در
سه راه شاه کاشی شماره (۱۰۱۹) مراجعه فرمایید.
هیئت رئیسه کلوب ورزشی اردن

عکاسخانه یونان

با جدیدترین وسایل برقی روز و شب
چهارراه امیر اکرم جنب قنادی ماه مفتوح شد.
بهترین عکس ها با نازلترین قیمت مهیا می
شود سیاه قلم از روی عکس کهنه و عکس رنگی -
تعمیر دوربین عکاسی - عکس روی دستمال - ظهور
و چاپ فیلم - انگر دیسان ، کارهای آمانووی - بقید
ضمانت قبول میشود.



شرکت سهامی چاپ

افتتاح مهمانخانه شهرداری

مهمانخانه شهرداری که چندی قبل تعطیل شده
بود باز بمديريت آقای محمود بیگانگر دایسر و با
بهترین اغذیه و موزیک از مشتریان محترم پذیرایی
مینماید.
ضنا جشنها و عروسیهای کوچک و بزرگ را
به بهترین وجهی برگزار میکند.

کرمانشاه

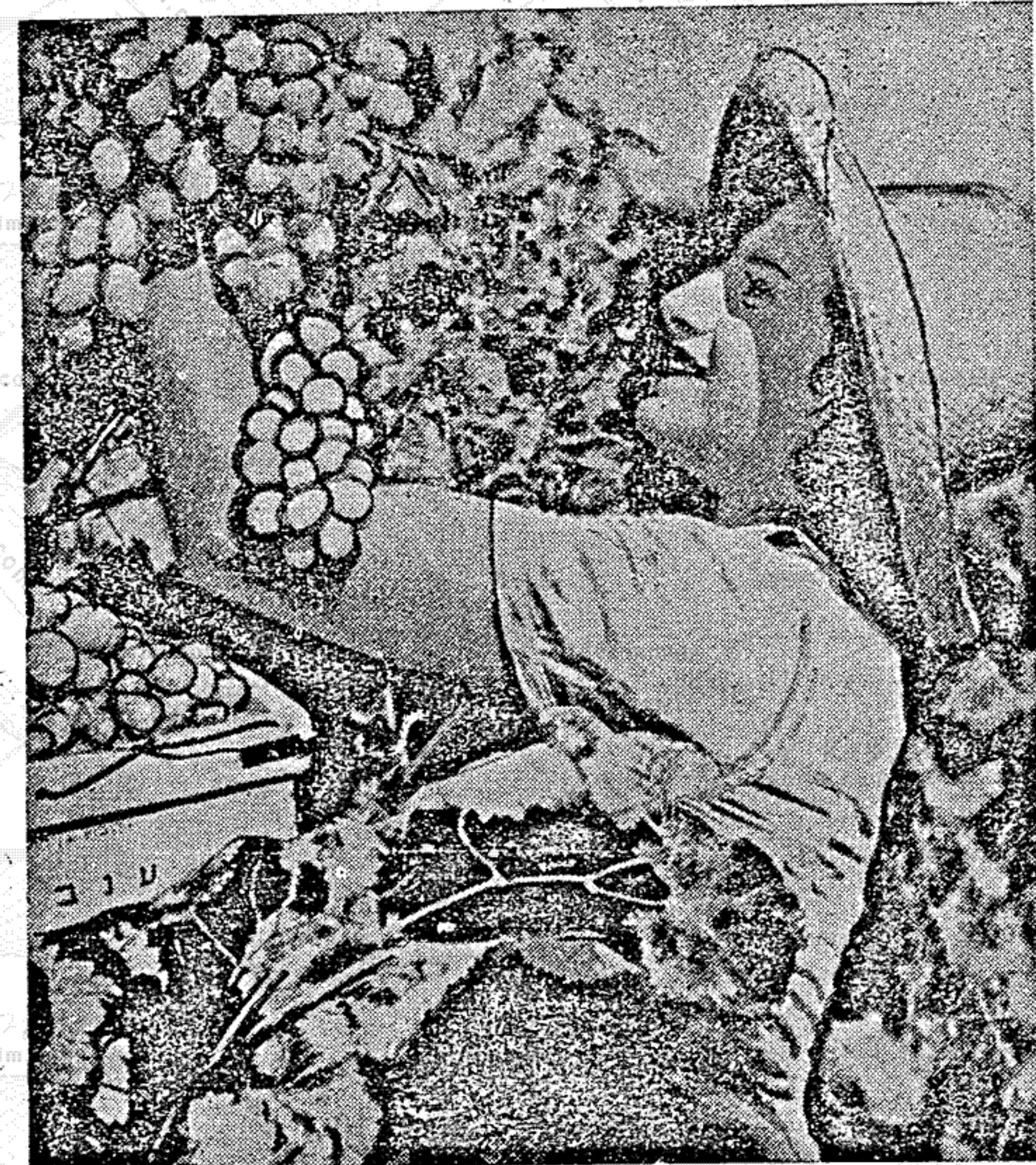
مناصفانه بواسطه اشتباهی که در قسمت ششم رخ داده بود نام آقای
حاج ابراهیم یزدی که از مردان نیکو کار کرمانشاه است
در مقاله راجع به کرمانشاه از قلم افتاده. آقای حاج ابراهیم
یزدی از مردانی است که عمر و ثروت خود را بدون مضایقه در
راه خدمت بنوع و ترقی جامعه اسرائیل وقف کرده و امروز
که از شدت پیری بی نهایت ضعیف است. باز از خدمتگذاری
کوتاهی نمیکند امیدواریم اعمال خیر این مرد شریف سر مشق
دیگران گردد

تقویم انجمن روحانی

با مزایای بیشتر و بهای نازلتر نسبت بمسال گذشته منتشر
شد و فعلا در بازار - حجره آقای قدسیان - بفروش میرسد

دبستان نور و صداقت

با اصلاحی که در وضع آموزش و پرورش
داده و با تعفیفی که در قسمت شهر به شاگردان پیش
بینی نموده دیگر جای هیچگونه فکر و نگرانی
برای اولیای اطفال نگذاشته است.
دفتر آموزشگاه از ۵ شهریور باز و برای
کلاسهای ابتدایی دخترانه و پسرانه شاگرد مینماید
نشانی: سرچشمه روبروی کوچه میرزا محمود وزیر.



۱۳۴۴

روش هشانا یا فرصت طلب فیض

روش هشانا یعنی اول سال .

موجب گفتار توراته مقدس اول سال تقویمی ملت اسرائیل اوایل بهار یعنی اول ماه نisan است . ولی يك اول سال دیگری هم هست که میتوان آنرا اول سال معنایی نامید یعنی موقتی که از طرف دیوان عدل الهی به حساب اعمال نوع شر سیدگی میشود و آن از روزهای روش هشانا یعنی از اول ماه تشری است بنا بر این ما باین علت روش هشانا را اول سال قرار میدهم که بنا بر حقیقت ملت یهود بیلان اعمال نیک و بد فرزندان آدم تنظیم و تحت رسیدگی و بازرسی قرار گرفته و فراموش حکم برله یا بر علیه هر فردی نسبت به نتیجه اعمالش از پیشگاه حضرت احدیت صادر میگردد . اینست که ملت یهود همه ساله از اول ماه دوازدهم سال پیش (اول ماه ایلول) به سرخیزی و مناجات و توبه و طلب عفو و آمرزش و بخشش گناهان از درگاه حق لایزال میبردازند . دو روز روش هشانا که ایام بازرسی است مسا با ترتیب خاصی دست تضرع بدرگاه خداوند متعال دراز میکنند و بزبان حال گناهان خود را اعتراف کرده تقاضا مینمایند که خدای متعال بکرم و احسان بی پایان خود از گناهان ما بدرگذرد و هشت روز بعد که روز دهم تشری و موسوم به کيبور است جوش و غروش و تزلزل و الناس و استغاثه و لابه و تقاضای ما چندین برابر میشود و ما تحت بر نامه منظم و مقصود به نماز طولانی شبانه روزی در نهایت زاری و تحمل ریاضت و محرومیت از کلیه لذات نفسانی پرداخته سعی میکنیم بهر طریق هست سست بخشایش کامل و عفو گناهان ما بپهر و امضاء دیوان عالی عدل کبریایی برسد و در حال میرا بودن از هر خطائی با نهایت سرافرازی نماز و روزه را رها کرده بسوی منازل خود میرویم . خوب است قدری خودمانی صحبت کنیم و در این باره بیشتر گفتگو نماییم آیا همین دعا و نماز و روزه و محرومیت موقتی از حظ نفس برای جلب بخشایش و کسب تفضل و احسان و عفو خداوند متعال کافی است ؟ يك مغز سالم خوب میتواند بی ببرد که استغاثه و الناس ممکن است برای يك یا دو مرتبه مورد قبول قرار گیرد نه اینکه همواره شخصی مرتکب اعمال نا شایسته شده و برای پیروی خواهشهای نفسانی هزاران عمل شنیع را مجری دارد و بعد در مواقع معین دست تضرع بدرگاه باری تعالی دراز کرده بزبان حال بگوید « من فلان خطا و گناه را مرتکب شده ام خدایا تو ببخش ... » و امید عفو هم داشته باشد آیا دستنگاه پروردگار توانا و دانا وسیله تسخیر من و تو است که از اول الی آخر سال مانند ... لکم گسیخته از چپ و راست بخرمن هستی دیگران حمله ور شده محصول زندگی دیگران را لقمه مال کنی و پس از آن در آخر سال که به

بمناسبت پایان جنگ جهانی

سهام ما چه میشوند ؟

نگارش « امیدوار »

برادران یهودی ما در تمام اقطار جهان علم مخالفت بر ضد متجاوزین نازی برداشته بهر عنوان اسم از چار خود را ابراز کردند و در ازای آن پنج میلیون جوان خود را قربانی راه آزادی بشر نمودند . فدائین یهودی در عهد نخستین شهیدای این جنگ یعنی نبرد برای بشریت بشمار میروند . امروز جنگ بی پایان رسیده است سربازان ملل مختلف اسلحه های - ویشرا زمین نهاده با یکدیگر امید و آرزو بجای کاشانه های خود روانه میشوند . آنها میروند و بیشک ثمره اعمالشان بزودی در کنارشان نهاده خواهد شد . آنها میروند در حالیکه به پیروزی عدالت و رحمت ایمان دارند و با انتظار اجرای آن خانه های ویران شده خود را آباد خواهند کرد . در میان آنان سربازانی نیز هستند که اسلحه را زمین نهاده اما خانه ای ندارند که بدان مراجعت کنند . اینان نه میتوانند به خندند و نه قدرت گریستن دارند زیرا دل آنانرا امواج بی پایان بیم و امید فرا گرفته است . امروز اشکهای ما: ران فرزند مرده و داغ دیده و کودکان یتیم و بی سرپرست یهودی با خونهای جوشان پنج ملون قربانی مظلوم آمیخته شده در ارای فداکارهای خود از پیشگاه وجدان دنیای آزاد مردمند اجرای عدالت را درخواست میکنند کارگران سربازان و دهقانان یهودی که در این جنگ آخرین قدرت و نیروی خود را برای نابودی اصول فاشیسم بکار برده اند با هم میگویند: پس سهم ما چه میشود ؟ راستی آیا سهم ما چه میشود ؟ کینه ها و سختترین دشمنیها ایجاد میشود و ملت آن کور کوران اجرا نمودن عمل عبادت و تفهیم مقصود اصلی ستایش خداوند متعال است . برای خاتمه این موضوع میگوئیم که روی سخن ما با سرمایه داران است . قدرای بیتوا و سیه روز که بواسطه قواعد غلط اجتماعی از همه چیز محرومند جزء این جامعه محسوب نمیشوند که با آنها صحبت کنیم . پس بشما میگوئیم ای ثروتمندان بدانید که فرمانروا و آفریدگار عالم اعلی معنوی و بساط فانی مادی و آن وجودیکه هستی و نیستی کلیه موجودات بسته اراده اوست و آن کیسکه امروز بدرگوش رو آورده و طلب عفو و رحمت مینماییم . توانایی تقاضای شاد را استیجاب نخواهد نمود مگر اینکه اول مسئولیت و وظیفه ای که بهمه دارد انجام دهد و بدون فردی و اجتماعی خود را (یعنی کمک بصندوق خیریه ، یعنی کمک به مدراس و ویران خود یعنی کمک باصلاح وضعیت پریشان و شرم آور برادران خود یعنی تربیت اطفال یتیم یعنی تأسیس کارگاه و دارالصنعت یعنی پرورشگاه و بیمارستان یعنی تأسیس کارگاه و دارالصنعت یعنی تهیه کار و کمک به هدایت مردم گمراه و دلساز از طریق بدل قسمتی از مال خود) ادا ننماید . رحمت و فضل و احسان بیدریغ و بخشش بی پایان خداوندی یعنی نتیجه اعمال نیک و نیات خیر ما و خدمت بجامه ...

هنگامیکه عقاب میشوم ناسم در آلمان بزورک ! نشو و نما میکردی برای نخستین بار بهجه های خون نشان خود را بر گلوی ملت صلح جو آورام یهود فرسد . دسته های بی خاخن و آواره یهودیان آلمان نالان و پریشان در بیاباها و شهر های دیگر برآکنده شدند . از همانروز جهاد ملت ما بر علیه ستیکاران هیتلری آغاز شد . هسگامیکه شهر ورشو در میان شله های آتش رنگ خود را باخته بود و پس از آن وقتیکه این شهر عظیم و پر غوغا در زیر چکله های فرزندان خلف هیتلر کوبیده شده و سرانجام تسلیم شده بود هنوز آتش از « کتو » (محل) برمیخاست و تاروهای بعدزد و خورد میان یهودیان کتوی ورشو و فاشیستهای غاب ادامه داشت . وقتیکه رومل نیروهای خود را بیست دو و ارمای اسکندریه کشتانیده بود و در واره های اورشلیم قس و عزیز چشم زهر میرفت ، همان موقتی که فاشیست خوامان شرق هر لحظه دندان های خود را بیهودیان ساکن فلسطین نشان میدادند سربازان یهودی در ارتش هشتم با استقامت حارق لمانه دشمن خونخوار را میراندند و خوددایه های تب یهودی را بی میریختند

آیا هیچ دهان خود را نصیحت و موعظه برای مردم گمراه و آواره وادی نساد گشوده ایم ؟ آیا جرأت بفرود داده ایم که دست در جیب نموده مبلثی از هایدات سرشار خود را تقدیم صندوق ملی یا صندوق خیریه بنماییم ؟ آیا زحمت بفرود داده ایم که چند دقیقه بمحل زندگانی اکثر برادران خود یعنی «محل» برویم و به بنییم بیشتر افراد جامعه ما در چه منجلاب بدبختی زندگی میکنند ؟ آیا برای یاقن راه علاج و چاره بدبختی این ملت در شبانه روز قبول زحمت چند دقیقه مکررا نموده ایم ؟ آیا فکر کرده ایم که وسیله تعلیم و تربیت ندویم و هزاران طفل و جوان رو فساد و نیستی میروند و باید چاره ای اندیشید ؟ آیا قبول زحمت نموده ایم که سری بپدرسه ویران «محل» رده به بنییم صد ها طفل لاغر رنگ پریده و کثیف با لباسهای پاره و شکم گرسنه معصاین مدارس ما را تشکیل میدهند ؟ آیا دانسته ایم ما که امروز با تشریفات مجلل و سفره رنگین و زندگانی راحت داخل سال جدید میشویم و دزکنکار ما هزاران بدن برهنه و شکم گرسنه و دل خونین و دیده اشکبار است ؟ آیا میل نموده ایم که در این ایام رحمت و آمرزش از قسمتی از ثروت و دارائی خود چشم پوشیم و در راه خدا و کمک به بندگان خدا وقت نماییم تا خداوند متعال هم از گناهان ما چشم ببوشد ؟ عبادت ما هنگامی مقبول خواهد بود که علاوه بر اینکه دلی را از خود نیاز رده باشیم وجود و استعداد و هنر خود را نیز برای خدمت بجامه بکار بریم . بدبختانه دیده میشود در این چند روز عبادت بیشترین

حساب نامه اعمال خود میرسی و می بینی سیاه است با کرد کج و حال زار بسوی خدا رو آوری و طلب بخشش کنی فکر کن در طول مدت سال با چه حقه بازیها و نیرنگهایی سعی میکنی حق دیگران را غصب و کیسه خود را پر کنی . بنام کار بنام تجارت بنام خدمت و نو گری بنام کسب صنعت میکوشی که هر کس بانو روبرو شود او را بکله بزمن زده و لنگدوشتی هم بر او فرو کوی ؟ بنحاسبه اعمال سالیانه خود مراجعه کن و به بین این آثار که خورده ای و این لباسیکه پوشیده ای و این خانه ای که در آن سکنی کرده ای از خون دلر اشک دیده چند هزار نفر بدست آورده ای و از کیسه چه بینوا و درمانده ای ربوته ای ؟ تو امید عفو و بخشش از درگاه خداوند متعال ، بسوی عبادتگاه آمده ای آیا مدرک استحقاق و سند قابلیت با خود همراهی داری ؟ شاید بگویی مدرک استحقاق و سند قابلیت چیست ؟ مدرک استحقاق و سند قابلیت عبارت از جلب رضایا بندگان خدا و بدست آوردن دلهای آنها است ! مقدم بر عبادت خدای متعال خدمت بر بندگان او است . پروردگار تو ای بی نیاز مطلق است و محتاج به دعا و ستایش تو ومن نیست ما محتاج بار هستیم اگر سراسر جهان پر از کفر باشد ایسان شود تفاوتی در « کیریابی » خدا نخواهد داشت . قبل از ستایش ذات لایزال آفریدگار امر میرا که تو صا نموده است باید مجری داشت یعنی به بشریکه خلق نموده او را دوست دارد باید نیکوئی کنی خداوند بندگان خود را دوست دارد زیرا آنها را از نیستی بهستی آورده است اگر دوست نمیداشت او را دردم اقی میکذاشت . اگر خواهان عبادت خداوند عزوجل هستی اول باید دوست داشته او یعنی نوع بشر را دوست بداری . و دوست داشتن بگفتار و ادای کلمات فریبنده مشر بر ابراز احساسات و محبت نیست بلکه دوست داشتن از طریق عمل ثابت میشود . و بهترین راه عمل دوست داشتن همانا خدمت بتو و مفید بودن برای جامعه میباشد . « عبادت بجز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دایق نیست اکنون من و تو ای خواننده عزیز که انتظار بخشش و آمرزش را از درگاه کبریائی دازیم آیا این امر ساده و قابل اجرا را انجام داده ایم ؟ آیا هیچ گوش بناله یتیمی که در همسایگی ما از شدت ضعف و ناخوشی جان میسپارد فرسا داشته ایم ؟ آیا برای نجات یکی از هزاران مردم بینوا و توده فقیری که از بیماری و نداشتن وسیله مداوا میبیرند قدمی برداشته ایم ؟ آیا دست بکنفر از این همه اطفال در بدر و ولایت و بی سرپرست را گرفته ایم که او را بپدرسه ببریم تا تربیت شود ؟

پایان جنگی

اگر در محل آن سوزی اتفاق افتد اشخاصیکه خانه‌شان در معرض آتش قرار گرفته باشد چه حالتی دارند و برای خاموش کردن آن تاج، حد خود را بخطر میاندازند؟ صاحب خانه که جای خود دارد بیگانه‌گان و عابرین و همسایگان هم در اتفای آن آتش کمک خواهند نمود.

اشخاصیکه بیشتر در خطر هستند برای دفع خطر بیشتر جانپنازی میکنند و مقارن خسارت و تلفاتیکه بآنها وارد میشود میتوان میزان فداکاری آنها دانست.

در موقع مجاهدت برای فرونشاندن آتش، اشخاص نمیتوانند کاملاً حس کنند چه میکنند و یا چه بر سر آنها میاید فقط منظورشان خاموش کردن آتش و استخلاص آنهاست که در خطر هستند. پس از برطرف شدن خطر وقتیکه آتش زدگان بر سرنمش سوخکان خود میرسد و قسم بروی خرابیهای خود مینهند و خاکسترهای سیاه اموال و دارائی خود را می بینند و آه سرد از دل کشیده و اشک از دیده میریزند آنوقت حساب خسارت جانی و مالی را بدست میآورند و میدانند چه بر آنها وارد شده است.

تقریباً برمسبب آتش سوزی میفرستند؛ جنگ جهانگیر اخیر مانند آتش سوزنده ای بود که بواسطه هوسرانی و جاه طلبی عده‌ای ظالم و دشمن بشر افروخته شد و از کوره سیاه دل برکینه و درون پایدشان بدودمان و خاندان اولاد آدم زده شد.

صاحبان خانه و همسایگان خبرخواه و ساکنین نیکوکار دورترین نقاط کره ارض برای جلوگیری از توسعه آتش جنگ ویران کننده و خاموش کردن آن و سرکوبی مبین وحشی آن حتی از فدا کردن عزیزترین فرزندان خود کوتاهی نکردند کوشیدند و مجاهدت نمودند تا اینکه بالاخره پس از چند سال متوالی آن آتش خانماسوز را برطرف و عاملین آن آتش سوزی را یکی پس از دیگری بچارات رسانده و میرسانند.

اکنون موقعی است که آتش زدگان جنگ برنمش فرزندان خود عبور کنند و قدم بر خرابه های خانه های خود نهند و خاکسترهای تیره را که مانند پرده ای سیاه سراسر جهان را پوشانیده است کنار زده و میزان تلفات و قربانیهای هر گروه و ملتی را بدست آورده و از بیمارستانی که بنام اجمن صلح که اطباء آن قهرمانان دلاور میدان جنگ عالمگیر و سران دول آزادخواه هستند، تاسس شده است، داروهائی بنام حق آزادی برای الیام قلبهای سوخته و دلپهای خونین ملل مصیبت دیده بدهند.

ولی معلوم نیست آیا حسابگر این صحنه مرموز دارای آت توانای و قدرت است که چشم از حسابهای خصوصی

ملت یهود

پوشیده و با کمک وجدان و وظیفه انسانی بطور دقیق بحساب کلیه ملل رنج دیده و قربانی داده باندازه مصیبتهای وارده رسیدگی نموده که داروهای اجتماعی از بیمارستان سیاسی بین المللی باندازه استحقاق و احتیاج هر گروهی بسته شود؟

بدها تاریخ شهادت خواهد داد! اگر حسابگر درستکار و دقیقی است که ذکر خیرش بجای باقی مانده و آیندگان بدیده احترام باو خواهند نگرست و گر نه نفرت و انزجار بدرقه راه خود خواهد داشت! زیرا تاریخ نمیتواند کتمان کند.

بر کسی پوشیده نیست که اگر این عفریت ویران کننده جنگ بتدریج و ثبوت سراغ هرملتی رفت و آنرا از پای آورد. از روزهای اول جنگ تا آخرین دقیقه آن و حتی امروز که میگویند جنگ پایان یافت سخت ترین فشارها در همه روزه و همه ساعت بر ملت یهود وارد بوده است از نقطه آتش سوزی جنگ تا دورترین نقاط دنیا فرداً فرداً این ملت آواره تحمل سنگین ترین تلفات را نموده و بزرگترین خرابیها را بر خود وارد دیده است!

ملت یهود که بدستجات مختلف در اطراف و اکناف جهان پخش شده اند دوش بدش هر گروهی که بر علیه عفریت جنگ برخاست قیام کرد و در صف اول جدال قرار گرفت و قبل از هر کس آتشین تیرهای حمله را او استقبال کرد. هر ملتی و هر گروهی صدمه و اطمه باندازه مجاهدت و توانائی خود تحمل صدمه و اطمه جنگ را نمودند ولی ملت یهود چون با کلیه دستجات مجاهد ضد استبداد همراه بود نسبت به تعداد خود باندازه کلیه تلفاتیکه بر تمام ملل جهان وارد آمد متحمل مصیبت و خسارت شده است.

گرچه هنوز آمار دقیقی بدست نیامده است ولی از روی محاسبه باقیمانده گان یهود در ممالک جنگ دیده که بعمل آمده است از ۱۶ میلیون افراد یهود ۶ میلیون آن تلف شده است «بزرگترین و موثرترین تلفات تاریخ».

تعیین و حفظ حقوق خسته افراد جامعه بزرگترین و مؤثرترین عامل جای گیری کشمکشها و جنگهای خونین است اگر ملل قوی و مترقی جهالت حق ملل ضعیف را مراعات میکردند و برای دودن حق دیگران خود را آماده نمینمودند و دست دراری نمیکردند امروز بجای این همه ویرانی کارخانه‌ها و دارالتبیم ها را با بود و بجای اینهمه ناله‌ها و اینهمه خونریزیها بانگهای شادی و قهقهه شنیده می شد!!!

ملت یهود همیشه در معرض خونین ترین حوادث تاریخی قرار گرفته و کمتر بحق و اجر خود رسیده است. تا امروز باین بهانه خود را راضی میکرد که میگفت «جامعه گذشته کمتر تمدن و وظیفه بشریت آشنا بوده است و وضع در هم ور هم ملل و مظلوم بروی زمانه ايجاب می کرده است که حق مرا پایمال کنند ولی امروز که علم با شما و اکتشافات و تجربیات بجداعالی و نوع بروی ملل قوی بعد اکل رسیده است و دول فاتح از هر گوشه باک بر آورده و دول ضعیف و کوچک را منت پذیر میکنند و میگویند «ما برای حفظ شما از شر فاشیت و برای حفظ حقوق شما از برای نازی قیام کرده ایم»

جایز نیست که مانند گذشته سهمیه مرا نامعلوم و با دست قوی به سینه من رنج کشیده ضعیف زده و بار دگر برای چند قری می را از حق قانونی و اجتماعی خودم محروم کنید! آیا امروز هم میتوان گفت زور بر حق امتیاز دارد؟ اگر ملل قوی طرفدار این منطق غلط هستند پس تمدن امروز چه فرقی با اوضاع دوره توحشی و بربریت دارد؟ اگر دول غالب و فرورزنده حق را بر هر علت و عامل دیگری ترجیح میدهند با مدارک تاریخی و سیاسی ذیحق ترین و مستحق ترین ملل روی زمین ملت یهود است.

اگر هر ملتی برای استخلاص خود و وطن خود جنگیده است ملت یهود برای نجات عالم بشری جان بازی کرده است.

اگر ملل جهان فقط تلفات جانی یا مالی داده اند ملت یهود آنچه داده است فدا کرده است.

در هر گوشه از جبهه های جنگ در هر دسته از ارتش های عظیم ملل جنگنده در هر گروهی از مردم مبارز و مجاهد در قمر دریاها در بالای طبقات آسمان در فراز کوهها در ته دره ها در جنگلها در دریاها در غشکها در نزدیکترین جبهه ها در دورترین نقاط جنگ افراد ملت یهود قدم بقدم همراه کلیه ملل مبارز و آزادخواه بر علیه یک دشمن مشترک مجاهدتها کرده و قربانی داده است. تا اینکه دیوفاشیت منکوب و ضحنه میدان آرادبخواهان را ترك نمود و بابود شد آیا قوانین دمو کراسی و مراامهای درلتهای آزادبخواه جهان اجازه میدهد که این ملت فداکار و مجاهد راه آزادی مایوس و مضموم بکنار رود؟ ملت یهود از عدالت فاتحین جهان و آنها بیک تساری حقوق ملل یهود را سرلوحه مرام خود قرار داده اند دور می بیند که از ثمر صایح جهانی او را محروم کنند و به داد خواهی و تقاضایش گوش ندهند و رسیدگی نکنند.

قرنها است که خواسته است از دورترین نقاط جهان و از زیر فشار های استبداد ناله های جانسگداز خود را بکوش جهانیان برسانند تا بامروز نتوانست است ولی اکنون بهترین فرصت بدست آمده است و توجه دول و ملل قوی و نوع پرور را بطرف خود جلب میکنند و میگویند «بصفتحات تاریخ

بنگرید و به بینید کدام يك از ملل جهان است که باندازه ملت ستمدیده یهود صالحتر و بی آزارتر و مطیعتر و رامتر و فرمانبردارتر بوده و کدام يك باندازه این ملت مصیبت دیده تحمل ظلم و ستم نموده است؟

اگر روز حساب است و پرده از روی اسرار و پنهانیها برداشته شده است بحساب منهنم برسید و سهم مرا تعیین کنید و بدهید.

اگر هنوز پرده پوشی و محافظه کاری در میان است پس چه صلحی است و چه پایان جنگی است؟ جنگ وقتی پایان خواهد یافت و صلح عمومی زمانی بوجود خواهد پیوست که حق کلیه ملل باندازه استحقاق و لیاقتشان داده شود و اگر نه صلح نارس و هیوه بی طعم و بوئی است که نتیجه اش برافروختن آتش سوزنده تری است!

ملت یهود همواره طرفدار صلح و آرامش و آشتی بوده است و برای آبادی جهان و تمدن اینها بشر بیش از هر ملتی سعی تر بوده است و در موقع لزوم برای حفظ آزادی ملل و استقرار صلح از سختترین فداکاریها دریغ ننموده است خاک کدام خطه و کدام مملکت است که از خون فرزندان یهود رنگین نباشد نضای کدام دیار است که ناله های دلخراش اولاد یهود را منعکس ننموده باشد؟

بنا بر این اگر ملت یهود ادعای دارد بجای خونهای فرزندان عزیزش فقط حق خود را مطالبه میکند و میگوید «مرا از هر سامانی و از هر مملکتی رانده اند و هر زمانی بعنوانی و بهانه‌ها از دم تیغ غضب و کینه گذارنده اند مگر در این بساط خاککی غیر از یهودی بودن چه گناهی دارم؟»

کدام خدمت و فداکاریها برای جامعه نمودم در کدام مصیبت و شادی شرکت نداشتم در پیمودن راه ترقی جامعه کدام بار سنگین و مسؤلیت عظیم را بر دوش خود هموار نمودم و در راه ترقی و استقلال و عظمت دولت دمو کراسی کدام مجاهدت و از خود گذشتگی را فرزندانم از خود نشان نداده اند؟؟

حق من مشروع است و تاریخ و یاد داشتهای همین ملل تمدن و قوی امروزی آنرا تثبیت مینمایند.

بشر امروز بکارهای نیک گذشتگان بدیده احترام نگرسته و آنرا سر مشق خود قرار داده است و با عمل بد و زشت و ظالمانه آنها با نظر بر تفر و انزجار نگاه نموده و تفریب میفرستد. تا به بینیم آیا دول قوی مایل به برقراری مساوات و عدل در جهان هستند و میخواهند حق ملل ضعیف را ثابت نموده و بدهند یا اینکه فقط برای استقرار عظمت و بزرگی خود میخواهند نیات و سیاست خویش را تحمیل کنند و آشفته گی وضع جهان را غنیمت دانسته و ویرانه خود را آباد و آبادی خود را آباد تر کنند و استدلال نا صواب و غلط «حق با قوی است» را ثابت کنند؟؟ «بچه کردن»

سازمان مرکزی جامعه ایسرائل ایران

ما از نقطه نظر اهمیت درباره هر يك از انجمنها و کمیسیون هاییکه در قسمت ۷ این کتاب پیشنهاد نمودیم شرح خواهیم داد. هر یککله و هیئتی که در تحت یک رژیم و قاعده ای در حرکت باشد و یک منظور کار کند بایستی دارای یک قوه مرکزی باشد که آنرا بگردش در آورده و بر کلیه اعضای آن معیط بوده که در موقع لزوم بنا باقتضای احتیاجات تغییرات و تبدیلات لازم را مجری دارد. مثلاً ماشینی را در نظر بگیرید (پشه پوشی اراراده و وجود مکانیک) موتور و دستگاه برق آن است که تعادل حرکات اجزاء ماشین را حفظ نموده و بموقع آنها را به حرکت در میآورد ولی اگر دستگاه مرکزی و مولد قوه آن منظم نباشد هیچک بزرگ و سنگین آن ماشین تکه آهن اسقاطی بیش نخواهد بود.

بمثلاً سازمان نظامی را ملاحظه کنید که در تحت رهبری یک مرکز منظم و قوی موسوم به ستاد ارتش اداره می شود که بعضی صدور یکقرمان ملیونها آدم و ملیونها هییکل و کوشش و بااراده و فهم در مدت چند دقیقه تبدیل به آلات بی اراده آتشین شده و چشم بسته و ندانسته رعد و برق و طوفانی از کوله های گذاخته بر پا میکنند پس از بر طرف شدن طوفان گرم سرب و آتشین یا میلیونها نعش جوان عزیز پدر و مادر در خاک و خون غلغلیده یا پیروزی و افتخار درخشانی نصیب ملتی میشود. در اینصورت تأمین قوه مرکزی در کلیه امور اجتماعی و در کلیه شئون جامعه از بایستیهای اولیه است.

افراد جامعه ایسرائل ایران تاکنون مانند قبایل نقاط لبه تمدن زندگی کرده بطوریکه از حال یکدیگر بی خبر و از وجود همدیگر بی اطلاعند مخصوصاً ایسرائلهای شهرستانها که از همه چیز دنیا و زندگی بی خبرند حتی اغلب آنها تصور نمیکند که دنیای دیگری بفرامحیط تنگ و کثیف خودشان وجود دارد فقط بعنوان اینکه از ملت ایسرائل هستند دل خوش نموده و گاهی هم برای آموزش آخرت یا اثبات ملیت خود در موقع اعیاد به کنیسا رفته و ملای محل را که غیر از آیات و جملات مذهبی خشک چیزی نمیدانند و از وضع اجتماع بی خبر است و ادار میکنند که برایشان تأخیر بهم بخواند. ملا هم بامید عمل خیر و گرفتن پاداش یا اینکه ادامه کار خود مطالبی که کاملاً مغالطه اصل و مقصود موضوع است که مبنی بر کتمان حقیقت و دیانت است برای گمراهی و ایجاد دوگیت در مغز آنها تلقین میکنند.

این مشت افراد تیره روز حقیقتی بهتر و بالاتر از بیانات

سهمیه ص

نگارش افسرده

الح

چندی پیش با شکست آلمان مرام نازی که نمونه قلدری و ستمگری بود واژگون شد و نازیها که خیال حکمروایی و تسلط بر دنیا را داشتند آرزوی خود را با خود در اعماق دریا ها و میدانهای نبرد مدفون ساختند و بدینا ثابت گشت که سر انجاء قلدری و ستمگری و آنچه وحشیگری که بخلاف مضمی

خلاصه باید دانست و به این نکته مهم پی برد که بجز عده بسیار کمی که تعدادشان در مقابل جامعه ایسرائل ایران چندانی محسوس نیست وضع زندگی ایسرائل ایران مانند وضع زندگی بشر اولیه و آدم ماقبل تاریخ است بهترین نمونه آن « ساکنین معله » است که در قلب بابتخت زندگی میکنند و یاد آن مشاهده آن هایه افتخار از بررگان و متمولین ما است که همه روز به بجای سلام کردن با آنها بایستی گفت « بیاد محله چشم شما روشن » وضع آشفته ورشته از هم کینه خیز جامعه ایسرائل ایران ایجاب میکند که یک سازمان قوی سنزله قوه مرکزی بنام « سازمان مرکزی ملی ایسرائل ایران » تشکیل شود برای تشکیل این سازمان لازم است در کلیه شهرستانها اطرار جامعه ایسرائل در هر یک سال بسا دو سال انتخابات شروع شود در هر شهرستانی یک نفر یا از هر استانی چند نفر انتخاب و به تهران اعزام شود این عده که بایستی قبلاً تعداد آنها را معین نمود که از حدود احتیاج تجاوز نمایند بنزله افراد کنگره جامعه ایسرائل ایران شناخته خواهند شد که مأمور تشکیل سازمان مرکزی میشوند اختیارات آنها در حدود امکان برای اداره جامعه ایسرائل ایران نامحدود خواهد بود. در واقع میتوان گفت قوه مقننه ای رانشکیل میدهند که میتواند در سایه قوانین جاریه مملکتی قوانینی برای رهبری ملت ایسرائل از لحاظ ملی وضع کنند چون این سازمان وسیله ارتباط اتحاد کلیه افراد ایسرائل ایران خواهد بود مجبور است تشکیلات خود را طوری درست کند که ایسرائل خراسانی خود را وابسته به ایسرائل اهوازی دانسته و کرمانی خود را متحد و فدای آذربایجانی بداند. در حقیقت یک حزب یهودی تشکیل دهند که در موقع لزوم پاندازه قوه و قدرت خود بار مسئولیت ایرانی بودن را بر خود هموار نموده و بتواند خدمات بیشتری باین آب و خاک بنماید و نیز بتواند حقوق کلیه افراد ایسرائل را ثابت نموده و بگیرد.

مأموریت این سازمان بحث و رسیدگی در امور کلی است و کارهای خود را بین انجمنها و کمیسیونهای مشعبه که به اسامی مختلفه نامیده شده اند قسمت میکنند. جامعه ایسرائلهای ایران کلیه مسئولیت را از این سازمان میخواهد و این سازمانها از انجمنها و کمیسیونها میخواهد این سازمان از طریق انجمنها و کمیسیونهای مربوطه باید با کلیه شهرستانها مربوط باشد و به پیشنهادات و تقاضاها و اعتراضات آنها رسیدگی نماید این سازمان قوه و مرکزیتی را باید دارا باشد که هر دولتی در هر زمانی آنرا بر سریت شناخته و مانند یک سازمان رسمی آنرا قابل اعتبار بداند نماینده مجلس شورای ملی را میتواند از بین افراد برجسته این سازمان انتخاب نمود بقیه دارد

ها نام آنرا تمدن گذاشته اند نابودی و فنا مییابد اینک ژاپونیا غاصب نیز که با سر سختی تمام بجهت ادامه میدادند و دنباله افکار نازیها را در مخیله خود میپرورانیدند از یاد آمدند و جنگ جهانی سوم با تسلیم بلا شرط از این پایان پذیرفت. اکنون وقت آن رسیده است که کلیه کشورها و مللی که ضربات سخت و طاقات فرسای جنگ را برای غلبه آزادی و مسارات بر بردگی و ارتجاع تحمل نموده و هستی خود را فدای آن کرده اند به حساب چند ساله خود رسیدگی کرده و بانتظار پاداش در اداء فداکارها و خسارات وارده بر خود باشند و هیچ جای تعجب نیست اگر کشورها و یا مللی که بر علیه مهاجمین خونخوار نازی و یا غاصبین ژاپونی شرکت نموده اند مطالبه خسارات وارده بر خود را البته بطور نسبی بنمایند زیرا آنها نیز از مصائب جنگ بی بهره نبوده و ثروت و افراد خود را در این راه فدا نموده اند.

البته دول معظم و فاتح نیز رعایت این قسمت را خواهند کرد و امیدواریم که کمیته غرامات جنگ بخواهی از عهده انجام این وظیفه بر آید. موضوعیکه بیشتر از هر چیز در این باره جلب توجه نموده و حتی تولید نگرانیهای در بعضی از محافل توده های ضعیف و دول کوچک میباشد شایمانی است که راجع به جنایت کاری و یا شرکت بعضی از اقلیتهای دول در طول مدت جنگ بر علیه متفقین شنیده میشود و حتی بعضی ها شبیه را نیز بالا گرفته میترسند که بکلی از مزایای صلح محروم گردند.

البته این نگرانیها هم کاملاً بی مورد نیست و دول بزرگ نیز تا اندازه ای حق خواهند داشت که این نکات را در نظر بگیرند ولی آیا ممکن است که خیانت و جرم یک اقلیتی را در بین یک کشور دلیل مجرمیت آن کشور دانست و یک اکثریت قریب با تفاق را بجرم یک اقلیت خیانتکار معذور از حقوق حقه خود محروم گردانید و بدینوسیله زحمات و مصائب ایشان را در راه جنگ نادیده انگاشت.

آیا حقیقتاً سزاوار است که اینهمه تلفات و خساراتی را که بعضی از ملل در راه تأمین صلح داده اند در برابر غفلت و یا خیانت عده معدودی ناچیز شمرده و آنها را از بهره های صلح محروم کرد. مثلاً آیا میتوان و یا سزاوار است که ملت فرانسه را با قربانیهای که در بازداشتگاه های مرک، تلفاتی که در طول مدت جنگ، خساراتی که بر اثر مهاجمین فاشیست داده اند و همچنین با فداکارها و از خود گذشتگی هائی که در جنگ بروز داده اند بجرم اینکه حکومت ویشی مدتی با آلمانها هم کاری کرده است محکوم نموده و حقوق آنها را پایمال نمود و همچنین سایر ملل را ؟

مسئله خیر چه تصور نمیرود که دول بزرگ و فاتحی که مزه جنگ را چشیده و با اینهمه مصائب جنگ را پایان بخشیده اند و خود را طرفدار آزادی و مسئول تأمین صلح معرفی نموده اند با علم به هزل بروز جنگ و نتایج شومیکه در اثر آن فایده



اثر طبع آقای س حیم

اندر ز بدوست تو آنکری که مانند پدرش زیست ننماید

بر رفیق تو آنکرم من دوش

دادم اندرز و گفتش کن گوش

مهربان دوستا سر افزا

بیا تو دارم نصیحتی باز آ

من و تو بوده ایم باهم دوست

بیگمان چون دومنز در یک پوست

من رفیق تو نیکخواه تو ام

در نصیحت چراغ راه تو ام

از تو ام عمر و تجربت پیش است

مسخنم نوش دارد از نیش است

بدرت کش خدا بیامرزاد

خود نغورد و بخلق نیز نداد

گرچه زحمت کش و نکو خووه

لیک از رنج خود نبودش سود

حظی از عمر و مال خویش نبرد

ساده گویم که گرد کرد و نغورد

زندگی نیست آنکه نان بخورند

مگر آنکه که با کسان بخورند

قوت جسم است خوردن تنها

قوت روح از خوردن با تنها (تنها)

خود تو دانی که گرچه دارا بود

دستگیری نکرد و دل نربود

در همه هم دست او بسته

دل مفلس ز خستش خسته

رگ جانش بسیم خورده گره

همچو سیمی که تاب خورده بزه

یاد دارم که مردکی درویش

خوار و از خار مسکنت دلریش

روزی افتاد در صف زندان

متمم گشت و رفت در زندان

لیک توفیق او بدی آسان

که نجانش بفرید به آسان

پارسایی که بود با او غیر

کمتری بست و گشت بانی غیر

تا که کرد آورد ربالی چند

بهرمانند فقیر را از پند

رفت اول بنزد آت مرحوم

کرد مطلب به پیش وی معلوم

لیک گر گویمت که چند درم

روستد پیش خامه شرم برم

گفت با نوکر خود آن تاجر

از حضورم بران تو این فاجر

رو ز صندوق آر ده دینار

بده و گو که خیز و روی کار

بازی او از بدارنگو میکرد

تو ممکن هین آنچه او میکرد

شادزی کاین شباب روح نواز

چو شد از کف دگر نیاید باز

مگذران عمر خویش را بیدی

که نباشد حیات ما ابدی

چند روزی که در جهان باشی

خیر کن تا که شادمان باشی

خنده زن نفه ساز شادی کن

ترک اندوه و نامرادی کن

نوش خود را مکن معادل زهر

که غیبت کند غیبت دهر

مال و ثروت نیرزد اینهمه غم

کج و مال است قلب چنک و الم

من نکویم که همچو بی خبران

عمر خود را به بیبشی گذران

من نکویم که ترک هستی کن

هستی خود فدای مستی کن

من نکویم که جمله کهنه و نو

صرف عشرت نما و مفلس شو

لیک گویم که درسرای وجود

همه در فکر زر نباید بود

آز شایسته جوانان نیست

این نگره دیده خور آنان نیست

کام تو تلخ و خانه پر ز نیند

زندگانی سیاه و بسیم سفید

آت شنیدم به ثروت اندوزی

عقلی گفت این سخن روزی

چند در جمع سیم و زر کوشی

مگر ای یار نازنین موهی

لب بیند ای حییم زین تقریر

که برنجد غنی ز حرف فقیر

بند گوید غنی از این آهنگ

گر رود «میخ آهنین بر سنگ»

فجایع کشتار هائیکه افراد آلمانی نسبت به یهودیان در بازداشتگاهها و قلنگاهها مجری میداشتند نمونه بارزی از وحشیگری هائی است که تاریخ بشر هیچگاه نظیر آن را نبخوردند است . برای نمونه کفایت که شمه ای از مندرجات مکتوب زیگلوم یکی از پیشوایان سوسیالیست یهود و عضو شورای ملی لهستان را که قبل از انتحارش برای ژنرال سیکورسکی فرمانده قوای لهستان در لندن فرستاده بود و بعداً در روزنامه (نوز کرو نیکل) چاپ رسیده در اینجا نیز درج نمائیم .

زیگلوم طی نامه خود چنین مینویسد . « من بخود اجازه میدهم که آخرین کلماتم را بشما و وسیله شما بدولت ملت لهستان و همچنین به دول و کشورهای متفق و بوجدان و انصاف عالیمان برسانم .

من نمیتوانم سکوت اختیار کنم ، من نمیتوانم زنده بمانم درحالی که باقی ماندگان ملت یهود را که من و کیل و نمایندگان هستم بقتل میرسانند . رفقای من در گتو و رشو برای هم نژادان خود اسلحه بدست گرفته و در مبارزه شجاعانه ای کشته شدند . تقدیر بمن مساعدت نکرد که منم مثل آنها و بهمراهی آنها مقتول گردم در صورتیکه من با دل و روح خود با آنها یکدم در حفره های عمومی دفن شده اند همراه بودم .

مرگ من سخت ترین اعتراض بر علیه عدم اقدام و توجه ناظرین و تماشاچیان امور که قتل و امحای ملت یهود را دیده و از آن جلو گیری ننمایند میباشد .

اینها نمونه های کوچکی است از آنچه وحشیگری که نازیها نسبت به یهودیان عمل مینمودند و بدون شك تمام آنها در نظر ما معلوم و مكشوف میباشد .

ملت یهود با وجود اینکه تلفات و خسارات مابوس نگشته و تبیب مخصوصی با تمام وسایل از افراد یهودی تشکیل داد که در میدانهای نبرد دوش بدوش متفقین بچنگ آلمانیها پرداخت تبیب مزبور توانست با ابراز شجاعت و فداکاریهای زیادی بدشمن شکست داده و موجبات تسریع شکست نهائی آلمان رافراهم سازد . ملت یهود با از دست دادن نلت افراد خود بزرگترین تلفات را که بطور نسبی از تلفات کایه کشورها در جنگ کنونی بیشتر است متحمل شد و بنابراین بیش از هر ملتی در این جنگ فدائی و قربانی داده است .

ملت یهود بیش از هر کشوری در این جنگ خسارت دیده و باید بیش از هر ملتی از سهمیه صالح بهره ببرد . حال هیچ جای شگفتی نیست اگر که ملت یهود بخواهد درازاه آنچه رنج و مصیبت ، کوشش و فداکاری تلفات و خسارات مطالبه حقوق خود را بنماید .

ملت یهود شاید بتواند از گرفتن غرامات و خسارات وارده بر خود صرف نظر نماید مشروط بر آنکه يك حق مشروع و موردی خود را که بزور از وی سلب نموده اند با بدست آورد .

انتظارات ملت یهود در قبال آنچه رنج و فداکاری و تلفات و خسارات يك چیز بیش نیست و آن اینست که يك حق مشروع موردی مسلمی را که زور از چنگالش بدر آورده اند با و باز دهند . ملت یهود میخواهد با ایجاد يك اکثریت یهودی در فلسطین حکومت ملی بر قرار نموده تا شاید از تهاجمات انٹی سیمیتهای که در هر موقعیتی يك لباس درمیپوشد محفوظ بماند

بشر میشود و هم چنین با تجربیات زیادیکه در این راه بدست آورده اند اجاره دهند که بار دیگر نسل بشر در معرض چنین خطر عظیم و خانمان بر اندازی قرار گیرد و بدون شك تدایمی برای حل این مشکلات اتخاذ خواهند کرد .

اما چنانچه موفق به حل این مسئله نگردند و یا قیوداتی را روی کار بیاورند که بر حسب آنها به هستی و حیثیات يك ملت و یا شئون اجتماعی آنها لطمه وارد نمایند و بدینوسیله حس کینه توزی آنها را برای گرفتن حقوقشان تحریک نمایند باید بنظر نرسد که باز دیگر عفریت جنگ پابصر وجود گذاشته و نسل بشر را بکلی مضمحل و نابود سازد .

حال باید دید که میزان خسارت وارده بر کشورها چقدر میباشد و چه خواهد بود

ملت یهود اولین ملتی است که خطر نازیها را بعالیان گوشزد کرده و برای اولین بار علم مبارزه با رژیم آنانرا بر فراز وین بنام انقلابیون (مارکسیستها) بر افراشت . گرچه انقلابیون اطریش با دستگیر شدن بعضی از سران خود از قبیل ساسس ، بوئر و دویچ موفق نشدند که هدف خود را عملی سازند و پس از تلفات زیاد سر انجام مغلوب شدند ولی در نتیجه بسیاری از فعالیتهای حزب نازی را خشی کرده و از پیشرفت سریع آنان جلو گیری نمودند .

یهودیان با وجود اینکه در انقلابات اطریش شکست فاحشی خورده و تلفات زیادی دادند معذالك دست از مبارزه برنداشته و همواره بر علیه مهاجمین فاشیست بیکار نموده اند . بزرگ آن هنگام نیز که دولت انگلستان بیکو تمام در مقابل تهاجمات آلمانیها پایداری مینمود ملت یهود دوش بدوش انگلیس بچنگ ادامه میدادند آیا دومین دفاع شهرورشو از خاطر جهانیان محو خواهد شد که در آن یهودیان مدت چندین ساعت در برابر سپاهیان سیل آسای هیتلری بدفاع پرداختند و تا آخرین نفرات خود را در این دفاع که منجر به از بین رفتن هزاران جوانان هیتلری گشت از دست دادند .

آیا آنچه زجر و شکنجه ، وحشیگری و فجایعی که در باره ملت یهود بوسیله نازی ها چه در آلمان و چه در کشورهای اشغال شده اجرا میشد از یاد خواهد رفت ؟

سران نازی در هر موقعیکه میخواستند یکی از سیاسیون و یا یکی از مخالفین خود را از میان بردارند و بدینوسیله راه را برای پیشرفت و اجرای اعمال و حشیانه خود هموار سازند فوراً به یگانه حربه مخصوص خود متوسل میشدند یعنی ابتدا ویرا یهودی خطاب کرده و با اینوضع راه هر چون و چرا و هر گونه استدلال دیگری را برای خود مسدود میساختند و دیگر برای آنها هیچ اشکالی نداشت که شخص مزبور را فورا معدوم سازند .

حال باید دید که یهودیانیکه در قلمرو چنین حکومتی میزیسته اند با چه سر نوشتی روبرو بودند و چگونه هستی آن ها در معرض تاخت و تاز نازیها قرار میگرفت .

افراد و دسته های یهودی بدون داشتن فرماندهی واحد در هر نقطه ای بر علیه مهاجمین آلمانی می جنگیدند و آنها را از انجام هر گونه فعالیتی باز میداشتند .

چون و چرا



بیوسه از ننگ گالوت مینالیم ، همیشه از دست چرخ جفا کار شکوه میکنیم که چرا چنین با ما رفتار نمود میگوئیم خدایا مگر مانده تو نستیم ؟ پس چه شد که روزگار با ما اذیتور رفتار نمود ، چه شد که در این دنیای بزرگ ، تو آنقدر قدرت نمایا می کنی ، اینهمه نعمت بدینا ارزانی میداری ، بضعفا اقتدر احسان میکنی ولی ما ، ما ملت بدبخت ، ملت توسری خور ، ملت بی خانمان و بیکس همیشه زبردست و مثل کودک بیتیم و بی خانمان هر روز یکبار اندامه میشویم ، با ما بسختی رفتار میکنند ، و از ما بدتر هیچ ملاحظه و ترس کشت و کشتار میکنند . راستی مگر نه اینکه ما را فرزند اول زاد خود خوانده ای ، مگر نه آنکه عظمت و بزرگی تو بوسیله اجداد و پدران ما در دنیا نمودار شد ، مگر نکفتی من همیشه حافظ و نگهدار قوم یهود هستم . پس چه شد که یکدفعه آن عهد گذشت و آن پیمانان بر بخت و دیگر هیچ یادی از ما نمیکنی پس چه شد که آن عظمت سلطنت داور و سایمان یکباره باین روز سیاه و مذلت بار بدل گردید و اولاد و ستان و مقره آن تو ، فرزندان مروچین و خادمین آیین تو : امروزه منشین غفرت مرگ و در بدری میباشند و کسیرا بحال زار و وقت بار آنان توجهی نیست . چه شد که خانه مقدس تو مامن و ملجاء مشتکی کودکان بیگناه ؛ آن کانون عبادت و پرستش تو بدست اجانب افتاده و صاحبان اصلی آنرا از خانه پدری خود رانده بدینوسیله حق مشروع آنانرا از آنها سلب کردند . همه مآران و موران لانه دارند من بیچاره را ویرانه ای ، به اینها چوت و چرا هائی است که ملت ستمدیده و زنج کشیده ماهر روز که دریای غم و محنتشان متلاطم و کشتی آرزو ها و امیدشان دستغوش طوفان سهمگین و شوم نامرادی میشود میکنند و بالاخره هم اعتراضاتشان بجائی نرسیده گالوت با آنها لبخند میزند . ولی تو ای خواننده عزیز ، در این مورد چه فکر میکنی ؟ و به این چون و چراها چگونه جواب میدی آیا حقیقتا یک ملت باستانی خدا پرست ، ملتی که برای اولین بار در عالم بذرتوحید را کاشته و آزادی و مساوات بشر را اعلام داشت . ملتیکه برای جلوگیری از هر گونه بی عدالتی ها و کشتارهای بیهوده و جنایات شرم آور بشر با ترویج مذهب کلیم و وضع قوانین اخلاقی و اجتماعی پایه نوینی در تمدن کنونی بشر بنا نهاد . بالاخره

ملتی که با یک انقلاب فکری بزرگ پرده جهل و ظلمت را دریده و صفحه تازه ای در دفتر زندگی بشر باز نمود ؛ سزاوار است اینطور دستغوش بی عدالتیهای دستکاه طبیعت واقع شود و تا این اندازه مورد ظلم و تحقیر سایرین واقع شود ؟

آیا سزای خدمات مفید یک ملت که نسل بیالم بشریت این نامراد بیاورد در بدیها است ؟ ۰۰۰ من هرگز تصور نمیکنم . پس بیا دوست من تا با هم بنشینیم افکار خود را صافی نموده در اینخصوص کمی غور و تأمل کنیم تا شاید علت اینهمه دقبت افتادگی و آن جنایتکاری های دستکاه ظالم طبیعت را برعایه خود پیدا کنیم .

من اطمینان دارم موقمی که علت و عامل مرض پیدا شود دیگر مداوای آن و فی الجمله طرز جلوگیری از شیوع آن مرض هیچ اشکالی در بر نخواهد داشت .

بنا بر این از این پس برای نمودار شدن علل و عوامل مرض درماندگی و آزردهی قوم خود آینه دل خود را در مقابل ، عالم بود قرار خواهیم داد تا هر کسی نتیجه اعمال و رفتار خود را در آن به بیند و از آنجا بی به نتایج حاصله در سرنوشت این قافله وامانده و ملت پریشان ببرد تا قیام اعمال خود را در برابر آن اصلاح نماید

ما آئینه ایم و هر که در ما ننگد هر خوب و بدی که بیند از خود بیند

افسرده

بتو میاندیشم

وقتی که نسیمی میوزد و شاخه های بیدار لرزه میاورد ، زما یکه بابل بگل میرسد و آغه مستانه خود را سر میدهد ، در آن هنگامیکه ابر بر زبانی و طراوت باغ حسد میبرد و سرشک حسرت فرو میبارد من :

بتو میاندیشم

بامدادن که خورشید طلوع میکند و اشعه نرو بخش خود را بر جهانیان میتاباند ، شامگامان که وی غروب کرده و بالو برشپ گشوده میشود ، مواقیکه تغییرات جوی باعث نفکر ما میشود و عد و برق ستاره و شهاب قوس و قزح ظاهر می گردد من :

بتو میاندیشم

وقتی که امواج خروشان دریا را با آنهمه هیبت و شناوری کشتی ها را بر روی آنها میتنگم ، زمانیکه چشم به حیوانات عجیب و مهیب افتاده ترس و اضطراب مرا فرا میگردد ، ساعتی که ترقبات و اختراعات بشر در نظرم جلوه گری مینماید باز :

بتو میاندیشم

وقتیکه شیور جنگ بصدا در آمده و مرا بسوی میدان نبرد رهبری میکند ، زمانیکه سرو دظفر لبخند سرور و هادی در چهره ام نقش میسازد ، در آن هنگامیکه در صحنه مبارزه حیات قرار میگرم باز :

بتو میاندیشم

وقتیکه میخواهم بحال خود و ملت من فکر کنم ، زمانیکه با گره های سخت اجتماع خود روبرو میشوم ، هنگامیکه با آن

بقلم : آقای سلیمان خیم

زن در عالم یهود

پس از درج بخش اول این مقاله بقیه آن موکول ببعده گردید لکن انتقادی که در قسمت ۵ عالم یهود بر آن نوشته شد و همچنین «جواب-سرحواب» این بنده موجب پیدایش وقفه در ادامه آن گردید . اینک که مجدداً فرصت تعقیب این گفتار را دارم رموس مطالب مقاله اولین را تکرار میکنم تا خوانندگان گرام رشته سخن را دوباره در دست گیرند :

(۱) برابری زن با مرد و همچنین لزوم همکاری آن دو با یکدیگر از شرحی که تورات راجع به کیفیت آفرینش زن نوشته ثات میگردد .

(۲) محبت و یگانگی کامل مرد و زن نسبت به یکدیگر بوجوب نص صریح تورات اعلام شده است .

(۳) سرنوشت مرد در نتیجه مجازاتی که برای خود بدید آورد در تورات چنین معین شده که با عرق پیشانی نان بخورد و غذای خود را با زح و محنت از زمین استخراج نماید . بنا بر این در تقسیم کارهای زندگی تحصیل معاش و رزق دانن نصیب مرد شد (و حال آنکه کسی منکر نیست که زن هم میتواند تحصیل معاش نماید)

(۴) سرنوشت زن بوجوب نص تورات چنین معین شده است که با الم و رنج فرزندان بزاید و در نتیجه بر اثر لزوم انجام وظایف طبیعی زنانه و نداشتن فرصت برای اجرای کارهای مردانه چشمش برای ارتزاق بدست شوهرش باشد

در این مقاله نکات زیرین بنکات فوق افزوده میشود :

(۵) در فصل سوم کتاب پیدایش زن گفته شده است که «اشتیاق تو بشوهرت خواهد بود» .

از این عبارت چنین مستفاد میشود که عشق و احساسات جنسی زن بر عشق و احساسات جنسی مرد غلبه دارد . حال اگر

آواره ژنده پوش گرسنه در حالیکه از شدت سرما می لرزد مواجه میشوم ، ایامیکه ضجه و انماس آوارگان را برای گرفتن حقوق حقه خودشان بی اثر می بینم باز هم :

بتو میاندیشم

در آن هنگام که آه و ناله های مادران داغ دیده ، طفلان بیتیم ، بیوه زنان ماتم زده در گوشم طنین مینانند ، زمانیکه حرکت دسته های آواره و بی پناه با یکدیگر امیدوار و آرزوسوی کشتار گاهها در نظرم مجسم میشود ، ساعتی که لبخند و تسننر های جنایتکاران خونخوار را در مقابل ضجه و انماس این گروه مفلوک بیاد میآورم ، دقایقی که متوجه خواب و غفلت ممتد عده ای در مقابل اینهمه فجایع اسف آور میگردم بگوشه ای نشسته و بفکر فرو میروم .

گویا باز هم ، بتو ای کانون امیدم ، بتو ای مامن و پناهمگام ، بتو ای مام عزیز :

بتو میاندیشم

(باقی مانده از قسمت ۴)

اینرا از خوش بختی های مرد بدانیم قسمت دوم آیه فوق که میگوید «و شوهرت مسلط بر تو خواهد بود» فرضیه مارا تأیید و تاکید مینماید .

(۶) بطوریکه در قسمت ششم نوشته شد خالق توانا بحکمت بالغه خود غلبه عشقی زن را بدین نحو فرو نشانده که یک نوع حجب و شرم طبیعی در زن گذارده تا آن غلبه را جبران نماید و از اینرو زن با همه اشتیاقی که بمرد دارد با اندازه مرد جرأت ابراز آنرا ندارد و بالاخره مرد است که در عشقاری بر زن سبقت جسته سر تسلیم نیز در برابر وی فرود می آورد (با انکاء بدین مسئله نگارنده بخودجرات داده در یکی از جلسات انجمن روحانی تفسیری بتفسیر تورات اضافه نمود بدین معنی که اینک میگوید «اشتیاق تو بشوهرت و او مسلط بر تو خواهد بود» مقصودش اینست که هر چند غلبه عشقی با زن است شوهر اوست که بر وی مسلط شده در ابراز عشق بر او پیشدستی خواهد نمود)

(۷) از طرف دیگر حجب و شرمی که زن را از ابراز اشتیاق خود نسبت بمرد مانع میشود بوسیله یک شاهکار دیگر طبیعت جبران شده و آن اینست که آفریدگار زن را طبیعت ریا و عشق انگیز خلق فرموده تا آنکه مرد سوی وی بگراید و این عکس قانونی است که در مورد جانوران وضع شده زیرا در عالم حیوانات می بینیم که هر حیوان نری طبیعتاً قشنگ تر از حیوان ماده خلق گردیده چنانکه در اسب و مرغ و دیگر جانوران مشاهده میشود . از همین جهت میل آمیزش جنس هم در جانوران تر بیشتر است و فقط قشنگی طبیعی آنهاست که در این مورد بداد آت ها رسیده جانوران ماده را به تسلیم وادار مینماید .

(۸) این کیفیت نیز بواسطه اکثریت نفوس زن نسبت بمرد جبران میشود و تمدد زوجات را (که دیانت ها اصولاً نپوی نکرده اند) بوجود میآورد

(۹) چون بطوریکه در قسمت های چهارم و هفتم عالم بود نوشته شد زن و مرد هر یک دارای وظایف مخصوصی هستند که در زندگی اجتماعی باید انجام دهند هر گاه زن بخواد در کار های مردانه شرکت یعنی در تحصیل معاش با او همکاری نماید از انجام وظایف طبیعی باز میماند و مشیت پروردگار نیز که بوجوب نص تورات تکثیر نفوس است خشی میگردد چنانکه می بینیم زنهایی که کسب یا کار های اداری برای تحصیل رزق و معاش انجام میدهند کوشش دارند که از بار گرفتن و زاییدن جلوگیری نمایند و در بعضی موارد از خانه داری هم عقب می مانند .

(۱۰) زنان شوهر داری که کسب یا کار های اداری دارند بتجربه ثابت شده است که نسبت بشوهران خود کمتر علاقه و محبت نشان میدهند زیرا حس استقلال و بی نیازی و

هنگامیکه دختری با سن چهارده سالگی گذارد وارد اولین مرحله بلوغ میگردد در این سن خود را دستخوش تحولات بی سابقه و تیرات حیرت انگیزی مشاهده میکند و در تمام بدن وجود جسمانی و روحانی و اخلاقی او فعل و انفعالاتی جریان میابد: بر سینه اش برجستگی ، در چشماش درخشندگی ، بر پیشانی اش برق شفقت و مهربانی و بر گونه هایش نور صفا و پاکی ظاهر میگردد و در سرش شور و احساسات ، در دلش طیش و در وجودش هیجان و انقلاب بوجود میآید که اینها همه بحکم طبیعت پدیدار میشود و هر يك از این نو رسیده های بوستان وجود ، خواهش نوینی دارد که مغز دخترک در گهرو دار امیال و هوسهای حیران و سرگردان میگردد .

در این موقع است که او احتیاج برهبری درستکار و مادری فهمیده و مهربان دارد و اگر از عقل ناقص خود پیروی کند و دنبال هوسهای دل برود ، و به همه چیزهای فریبنده چشم بدوزد ، همه نغمه های خوش و ناخوش گوش فرا دارد و بهر سازی

اینکه وظایف مردانه و زنانه هر دو را انجام میدهند کم کم غروری در وجود آنها تولید مینماید و شوهران وقتی که چنین غروری را احساس نمودند در مهر و محبت ایشان فتور رنج می دهد و بررور زمان کار بجدایی و نفاق می کشد . از اینرو طبق قوانین اخلاقی و مذهبی و اجتماعی نباید انجام وظایف مردانه را که بول از آنها عاید میشود در زنان تشویق نمود تا کار های جامعه همانطور که طبق مشیت پروردگار تقسیم شده بخوبی اداره شود .

(۱۱) مردان نیز باید بدانند که ارزش وظایف طبیعی زنان اگر بیشتر از ارزش کار های مردانه ایشان باشد کمتر از آن هم نیست . بچه داری و خانه داری را امروزه بشکل موضوعات علمی در آورده و کتابها برای آن نوشته اند که دختران در مدارس موظف بتحصیل آنها میباشند . آشپزی که بعضی بدیده تحقیر در آن می نگرند عامل بزرگ لذت زندگی و رکن اعظم مردم داری و مهمان نوازی است و آن زنی که از همده این وظایف بخوبی بر می آید در جامعه ارجمند و در نزد شوهر خود محبوب خواهد بود .

(۱۲) همانطور که انسان موجودات ضعیف را بیشتر پرستاری میکند و همانطور که اگر شخصی را يك فرزند لاغر و نحیف و يك فرزند قوی و خوش بنیه باشد طبیعتاً آن فرزند نحیف را بیشتر قهخواری مینماید زن نیز بواسطه جنبه لطیف و اندام ظریف خود يك حس قهخواری در مرد تولید و این حق را برای خود تامین مینماید که باید مورد توجه پرستاری مرد قرار گیرد .

پس از دانستن اصول و نکات اساسی فوق میتوان وارد مباحث مهمتر راجع بزین گردید و آن عبارت است از کیفیت اخلاق رفتار زن (و بویژه يك زن اسرائیل) و تاثیرات روحی و اخلاقی که زن در خانه خود و در جامعه دارا میباشد . (بقیه دارد)

بر قصد زود مرتکب کار های ناشایست و جبران ناپذیر میگردد . و زودتر در گرداب فنا و بدبختی فرو میرود .

در این دوره از بلوغ فوق العاده حساس ، زود رنج و نازک نارنجی میشود اوقات بیکاری را بیکه و تنها به تفکرمی پردازد ، دلش دنبال افکار واهی پرواز میکند و سعی دارد با مردم بیشتر مراد و معاشرت داشته باشد ، به شخصیت خود اهمیت بسیار میکند ، کمتر زیر بار نصایح ناصحین خود می رود ، خود را فوق همه می پندارد و اغلب اوقات معوج و جالو زبانی خود میشود .

در این سن بلباسهای خود بسیار اهمیت میکند ، در ترتیب موهای خود بیشتر میکوشد ، بصورت خود زیاد ترور می رود ، همه چیز خود اهمیت میکند ، خود را زیباترین ، پاک ترین و منزه ترین اشخاص می پندارد ، آنوقت است که روح حسادت بیش از پیش بر او دمیده میشود ، عیوب خود را خواه و ناخواه بحد امکان از نظر مسطور میدارد ، خود را قهرمان زبانی ، جمال ، برا زندگی ، خوش خلقی ، خوش بیانی می پندارد در تجلیل و تکریم خود بسیار کوشش میکند ، خورده گیر و بهانه جو میشود .

در این هنگام پدر و مادر مخصوصاً مادر وظیفه سنگین برای رهبری دختر خویش دارند ، باید در این مدت دقیقاً وظایف رشد جسمی و تحولات روحی و خواهشهای نفسی او باشند ، کلیه حالات و عادات مختلف او را در نظر بگیرند ، کلیه رفتارها دور و نزدیک و معاشرین آشنا و ناشناس آهم از بسرو یا دختر او را بشناسند ، دقیقاً بدانند بکجا رفت و آمد میکند ، کمتر بهر فحاشی اعتماد نمایند و بیشتر ازطرز عمل او بر رفتارش پیبرند . البته باید راهنمایی پدر و مخصوصاً مادر در نهایت مهربانی صورت گیرد ، طوری باشد که بیفرض بودن صایح آنها در پیش دختر واضح و مبرهن باشد ، با آنها بطریقی رفتار شود که سبب اسرار پوشی و پنهان کردن کارهای ایشان نگردد ، طوری با آنها با ممدار و رفتار نمود که کمتر مورد خشم و خشونت آنها واقع شد ، بطریقی باشد که مهربانتر از مادر و فهمیم تر از مادر کسی را نیابد و اعتماد آنها از مادر سلب نگردد ، خلاصه در این سن باید با دختر ما بملاطبت ، مهربانی و شفقت رفتار نمود تا تسلط و نفوذ کامل مادر بر آنها محفوظ نگهداشته شود .

علاوه بر همه باید در ترتیب غذای آنها فوق العاده دقت و مراقبت نمود . چون در این سن رشد جسمانی دختر زیادتر می گردد احتیاج زیادتری به ویتامین دارد و از اینجهت باید در روز دو مرتبه گوشت بخورد ، سبزی و حبوبات و میوه های تازه زیادتر مصرف نماید ، داروهای کلیم دار برای نواستخوان زیادتر بکار برد از خستگی بدن جداً جاو گیری کند ، از افراط در ورزش مخصوصاً کنت در مسابقه ها خودداری نماید و الی رشدش متوقف و بعداً موجب لاغری و کم خونی وی قوتی او میشود .

در خانها سهم مهم تربیت در سن چهارده سالگی باید بعهده مادر باشد و این دوره و شکل ترین دوران تربیتی دوشیزگان است

خدا پرستی است یا خود پرستی؟

بخش

اجته ناعی

۰۰۰ بامداد که سرازیر راحت برداشتم در گوشه ای رفیق خود را دیدم که دوزانو روی زمین نشسته است و با لحن دلنشینی زمزمه میکند و آهسته می خواند . نوای دلکشش مرا جذب نمود و چند دقیقه در بستر مسکنت نشستم و گوش فرا دادم .

آهنگش بسیار دلچسب بود . هایت گفتم رفیق خوش میخوای چرا تا کنون مرا از لحن دلنوازت محظوظ نکردی ؟ جوابی نداد . باز تکرار کردم . باز هم جوابی نداد . تعجب کردم گمان کردم شاید صدایم را نشنیده و هنوز خواب تصور میکند بامداد بلند تری گفتم رفیق آقدر از نوای خود خوشی که دیگر صدای مرا نمیشنوی ؟ باز هم دیدم بی حرکت رویه همان سستی که نشسته بود زمزمه خود ادامه می داد و متوجه صحبت من نشد خیلی متعجب شدم و از جا برخاستم و بجانبش رفتم و دست دراز کردم که او را تکانی بدهم دیدم سر بریزر انداخته و کتابی دردست دارد و بایک جذب و ایمانی تلاوت می کند ، لحن و نوا و کذاب و طرز نشستن و حالت غیر عادی و بسیار مؤدبانه اش مرا متوجه موضوع تازه نمود و دانستم در حال خواندن دعا است . برای شستن سر و صورت خارج شدم سپس بر کشته لباس پوشیده و باحالت احترام نشستم و منتظر ختم دعای او شدم .

بالاخره انتظارم پایان یافت . پس از لمظه ای سکوت و اجرای سجده ای که معلوم بود سجده شکرانه است سر بلند کرد و بطرف من برگشت و تبسمی شیرین نمود و گفت رفیق عزیز مگر نمی دانستی که من با خدای خودم در راز و نیاز بودم مگر نیدانستی که موقع نماز دعا نباید بادیگری صحبت کرد ؟ گفتم می دام ولی تصور نمیکردم که تو در حال نماز خواندن باشی .

گفت عجب مگر نیدانستی هر بامداد شکرانه حق را بجا می آورم ؟ گفتم نمی دانستم و بیشتر متوجه نشدم که شنیدم با آهنگ دلنشینی مشغول خواندن هستی تصور کردم شاید اینهم يك قسم آواز است .

گفت پس خوب شد موضوع نایبش تازه بدستم دادی امروز عید است و برای نماز و دعا مردم بیادگاه و دیبرو گشت میروند باهم برویم تا به بینی آیا این مردم برای پرستش خدا یا برای خود پرستی بعبادت نگاه میروند .

و آنکهی خوب شد پیام آمد تو که خود را از ملت موحد و خدا پرست می دانی چرا اقلانند دقیقه ای در روز شکرانه خدایا بجا نیآوری ؟ گفتم عادت نکردم تبسمی تسخر آمیز نمودم سری تکان داد و گفت عجب عادت نگردی مگر خدا پرستی عبادت است ؟ مگر میخواهی جبراً ترا عادت دهند ؟ مگر اراده

و فهم نداری ؟ آیا نمی دانی که خدای ترا خلق کرده است و خدای ترا زنده نگه می دارد و طبق لیاقت و استعداد و عملت ترا رزق میدهد ؟ گفتم می دانم .

گفت اگر می دانی پس چرا فکر نمیکنی که بایستی در مقابل مرحم و فیض چنین خدای سپاسگذاری نمود ، اگر شخصی بتو کمک کند یا ترا از خطری برهانند یا از پای سالها در حق تو احسان کند آیا تشکر نینمائی آیا اظهار امتنان نمیکنی ؟ گفتم البته میکنم .

گفت پس در مقابل این همه احسان و کرم که مبینی آیا موظف نیستی پروردگار خودت را شکر گرمی ؟ گفتم مقصود را دریافتم و از هم اکنون وظیفه خود را بجامی آورم . برخاستم و بخواندن دعایی که بمن یاد داده بود پرداختم ولی در طول این مدت رفیقم خیره خیره بن نگاه می کرد پس از ختم دعا دست مرا گرفت و گفت من ایرادی در ماهیت دعا و نماز و برنامه و دستورات آن ندارم ایراد من در طرز خواندن و وضعیت جسمی تو است .

شکرانه خدا را هر زبان و بهر آهنگ و بهر بیانی که بگویی مقبول است ولی طریق ادای آن مورد بحث است . چند ایراد بجا بودم که از نقطه نظر دوستی میخواهم ترا آشنا کنم که بدانی خود را با خدای متعال روبرو فرض می کنی و با او در گفتگو هستی نه بایک بشر غافل ! گفتم سپاسگزارم اگر مرا به اشتباه و خبط خود متوجه سازی !

گفت تصور کن بایک شخص محترم و مقتدری رو برو شده ای البته سعی میکنی هر قدر ممکن است مودب و بانزاکت رفتار کنی لباس و وضعیت مرتب و آراسته باشد در موقع ایستادن و نشستن حرکات خود را تحت دقت و بازرسی قرار میدهی که میادا خارج از ادب حرکتی کنی و در طرز سخن گفتن حتی القدر میکوشی مقصود خود را ساده و بر معنی آمیخته با احترام و ادب بیان کنی و سعی میکنی نهایت احترام و نزاکت را مجری داری و ضمناً خود را بیک قدر تربیت شده جلوه دهی آیا اینطور نیست ؟ گفتم همینطور است .

گفت تو که در مقابل يك فرد بشر میکوشی حرکات و گفتار مودبانه و پسندیده باشد احتیاط میکنی مبادا طوری رفتار کنی که آن شخص مکه در شود چطور موقتی که با خدای خودت

که او را خالق تمام موجودات و توانا تر از هر نیروی مند و دانای تر از هر دانائی دانسته و خوبش را روبرو فرس می کنی و با او از طریق دعا و نماز سخن میگوئی گوشش نمی کنی اقرار رفتار خود را موزون و بسندیده جلوه دهی .

گفتم تقاضا دارم معایب مرا بن گوشتزد کن که بسیار از تو ممنون خواهم شد .

گفت . اولاً لباس مرتب نبود یعنی کافلاً لباس را در بر نکرده بودی برهنه یا نیمه برهنه در جلو اشخاص رفتن می احترامی است تا چه رسد در حضور خداوند خالق .

ثانیاً طوری ایستاده بودی مثل اینکه بایک نوکر روبرو هستی و میخواهی آن تعظیم نمایی در صورتیکه در موقع نماز بایستی کاملاً مؤدب و بی حرکت ایستاد .

ثالثاً سر گردن و دست و پا و تمام بدن را بی اندازه بی موقع حرکت می دهی چه احتیاجی به حرکت دادن اعضای بدن است .

رابعاً هنوز نمیدانی که برای خداوند یکتا نماز میخوانی و با او در راه و نیاز هستی زیرا معلوم بود افکار تیریشان و بجای دیگر مکر می کردی در صورتیکه موقع خواندن نماز شخص بایستی آقدر دارای ایمان و بر خود مسلط باشد که همه چیز را فراموش کند و در یک جلبه کاملی از خود بیخود شده و فقط خدا را در نظر بیاورد و با او سخن گوید .

گفتم منم ایرادی از تو دارم .

گفت بگو

گفتم اگر بایستی در موقع خواندن نماز شخص از خود بیخود شود چرا تو با آهنگ و نوا میخواندی خنده ای کرد و گفت عجب جوان ساده ای هستی تمام ایرادات همین بود، مگر نمیدانی که بشری نیستی این موجود عجیب و مرموز نمونه کوچکی از خداوند است ، گفتم تا اندازه ای میدانم . گفت انسان از هر چیز خوب خودش می آید و از دیدن یا شنیدن آن معظوظ میشود صدای خوب منظره خوب بوی خوب افکار و نیات خوب عمل خوب حتی حیوان را هم بشوق می آورد . آواز و لعن خوب اثر و جاذبه دارد که شنونده را جلب کرده و بهیچان می آورد . من موقع خواندن مناجات یا نماز چون خود را با بهترین و بالاترین محبوبها و معبودها روبرو میدانم برای خوش آیند او و برای مجذوب شدن خودم دعای خود را با آهنگ میخوانم .

اینکه شنیده ای آواز و آلات موسیقی در بعضی ادیان حرام است اشتباه محض است و علت آن اینست بعضی از دیانتها برای جلوگیری از تعطیلی و تسامح اشخاص مردم را بترك لذات مادی و معرومیت از کلبه حظ های نفسانی وادار میکند بطوری تا کینه نبوده اند که حتی عده ای تارك دنیا میشوند و از

آمار بیماران در مانگاه همگانی جوانان اسرائیل در مرداد ماه ۱۳۲۴

ع	بغش امراض داخلی	تعداد	ع	بغش زخم بندی - تزریقات چشم پزشکی	تعداد
۱	بیماریهای دستکاه گردش خون	۱۲۹	۱	تراخم	۱۳۷
۲	دم زدن	۶۹	۲	زخمهای مختلفه	۱۴۸
۳	گوارش	۲۴۷	۳	تزریقات	۲۷۳
۴	بوستی	۱۶۷	۴	سوختگی	۵۸
۵	گوش و حلق و بینی	۲۲۹	۵	تجزیه ادرار	۸
۶	بیماری کلیوی	۲۰	۶	آبسه های جل شده	۹
۷	آمیزش و تناسلی	۳۷	جمع		۱۳۳
۸	دستگاه مغز و بی	۳۵	> بغش امراض داخلی		۴۳۰
۹	مالاریا	۱۰۳	کلیه مرضی ۴ بخش		۵۶۳
۱۰	رماتیسم	۱۱۳	تعداد نسخه های مجانی که در این ماه داده شده		۱۱۶۵
۱۱	اسهالهای مختلف	۱۸۵	میباشد که قیمت آن برای کانون در حدود ۲۰۰۰۰ ریال تمام شده است		۱۴۳۰
۱۲	سرماخوردگی	۸۸			
۱۳	سرخک	۳			
۱۴	اوربون	۳			
۱۵	بیماری استخوانی	۲			
	جمع	۱۴۳۰			

اجتماعات و معاشرت با هم نوعان خود دوری کرده و هر لذت و خوشی را حرام میدانند چون آواز خوب نشاط و حظی بشنونده میبخشد آنرا هم حرام دانسته اند . در صورتیکه مضرات این قبیل منیبات از خواصش بیشتر است زیرا اشخاص را از جامعه بدگمان و بدین نموده و دور میکند و خدما نیکه بایستی از دست آنها برای افراد جامعه بر آید از بین میبرد

این قبیل دستورات و هزاران قانون و قواعد دیگر جز برای جلوگیری از تجارز و دست درازی بحق دیگران برای منظور دیگری نیست و اگر کسی دارای تربیت نیکو باشد و بوظیفه خود آشنا باشد محتاج باین قبیل محرومیتها نبیباشد .

من عقیده دارم حمد و ستایش خدا را بایستی به آهنگ هر چه ظریفتر هر چه دلنوازتر بجا آورد . چون همه چیز را خدای متعال خلق فرموده و همه چیز خوب را می بسندد و هر چه خوب است بایستی اول برای او نثار کرد .

پس از صرف صبحانه روزه من نبود و گدگت برخیز تا بمیدانگاه این شهر برویم و به بین این مردم بوندلون صفت حتی با خدام میخواستند حقه بازی کنند . بقیه داره

کتابچه ای که موجب مرگ

یک تو طئه عجیب بر ضد یهودیان

میلیون ها یهودی گردید

مطالبی که ذیلا از نظر خوانندگان میگذرد ، بهیچوجه جنبه افسانه ای ندارد • در نتیجه این توئنه تا سال ۱۹۲۱ میان ۶۰ تا ۴۲۰ هزار نفر بخاک هلاکت افتادند و از آن پس نیز عده قربانیان آن از میابونها گذشته است !

در حدود سال ۱۹۰۰ هنگام سلطنت نیکلای دوم نقل از روز نامه امید بردگی جهان تشکیل داده و تصمیم گرفته بودند که واحد تلارا در عالم از بین ببرند ، جوانان را فریفته لهو و آب کنند ، مطبوعات جهان را تحت اختیار خویش آورند ، با ترویج مرام اشتراکی حس ابتکار را در افراد بکشند و دختران و زنان غیر یهودی را بسوی نساء سوق دهند ؛ پروفیسور نیلوس مدعی بود که این صورت جلسات را مسایه مرحوم اوسر گرد « سوختن » باو داده و سرگرد مزبور نیز آنرا از یکی از خانهای اشراف بدست آورده است . از قرار معلوم خانم مزبور هنگام اقامت خود در پاریس شبی نزد یک نفر یهودی متول میمان بوده و تصادفاً همان شب میزبان او برای انجام امر مهمی از خانه خارج شده و خانم اصل صورت جلسات را در منزل او یافته و بکک دو تن از دوستان خویش آنرا استنساخ کرده و همراه خود بروسیه آورده است ، ولی خانم از بردن نام میزبان خود که ظاهر آمنشی کینه مرگزی یهودیان عالم بود خودداری میکرد پروفیسور نسخه خطی خود را بدوستان و منجمله بیک نفر بنام « کنت دوشایلا » نشان داد . کاغذ های کتابچه زرد متین آن با سه خط مختلف و پراز غلطهایی بود که معولادرموقع استنساخ مخصوصاً که با عجله انجام گیرد ، روی میدهد و روی صفحه اول آن لکه بزرگ آبی رنگی دیده میشود .

یک نسخه از این کتابچه روی میز تحریر تسار گذاشته شد و تسار آنرا همان شب خوانده و در حاشیه اش نوشته بود : « چه پیش بینی و توئه عجیبی من در صحت مندرجات این کتاب تردید ندارم و مطمئنم که یهودیان عامل اصلی این توئنه هستند ! »

لازم بگفتن نیست که این کتابچه مسیو فیلیپ را از دربار روسیه را در زیر بنابر مندرجات کتابچه مذکور ، فرقه « فراماسون » بکک یهودیان دولت ژاپون را برای انهدام روسیه تحریک میکردند و مقدمات انقلاب را در آنکشور فراهم میساختند . بیچاره مسیو فیلیپ از دربار رانده شد و بهر فرسی « گرانددوشس الیزابت » جناب « زاسپوتین » جانشین وی گردید . نامه زیر که دو تاریخ نهم نوامبر ۱۹۰۵ از طرف نیکلا از شهر « پترهوف » بمادر او نوشته شده ، بخوبی نشان می دهد که تسار تا چه اندازه تحت نفوذ مندرجات کتابچه پروفیسور « نیلوس » واقع شده بوده است :

تسار روسیه ، محافل محافظه کار آنکشور سخت در نشویش بودند زیرا اولاً تسار در صدد اعطای حکومت مشروطه بملات برآمده بود و این امر با مزاج بزرگان قوم ، که سلا بعد نسل به فرمانروائی و استبداد خوی گرفته بودند ، سازگار نبود ثانیاً تسارینا ملکه روسیه بجای اینکه ولیمهدی برای امپراطوری روسیه بوجود آورد ، اصرار عجیبی در زایدن دختر داشت و برای رفع این نقیصه طبیعی دست بدمان بکنفر فرانسوی بنام « مسیو فیلیپ » زده بود .

تصور فرمائید که مسیو فیلیپ در قالبگی قابلیت داشت خیر ، این مرد کمال و از فرقه « فراماسون » بود ، ولی شهرت داشت که از برکت افس او زنان نازا نه تنها آبتن میشوند بلکه میتوانند جنس بچه خود را نیز دستور بدهند (۱) آنچه بیشتر مایه نگرانی محافل مرتجع روسیه ، که رئیس ایشان گرانددوشس الیزابت بود ، گردید ، این بود که مسیو فیلیپ در دربار سن پترزبورگ رحل اقامت افکنده در تسار و ملکه نفوذ عجیبی یافته بود .

چنانکه در اثر نفوذ وی تسار و ملکه بیرومسلاک فراماسون شده بودند همیشه در ضمن تشکیل جلسه مخصوص روح تسار مرحوم ظاهر میشد و موشی سیاسی فرزند خویش را باو گوشزد میکرد ، و نکته جالب توجه اینست که روح تسار همیشه پیش از شروع بصحبت میگفت :

« زنده باد فرانسه ! »

مرتجعین سخت بدست و پا افتادند و آرزو داشتند که معجزه ای بوقوع پیوندد و تسار را براه راست هدایت کنند . تا اینکه سر انجام شخصی بنام (سگری نیلوس) برای انجام این آرزو قدم بمیدان گذاشت این شخص که میگفتند مردی متدین و در زبانهای شرقی استاد است . کتابی باسم سیاست و مخالفین مسیح تألیف کرد و دیباچه ای بعنوان صورت جلسات بزرگان قوم یهود برای آن نوشت که موضوع این مقاله را تشکیل میدهد .

بنا بکک نیلوس این دیباچه عبارت از صورت مجلس ۲۴ جلسه سری بود که بزرگان قوم یهود و فرقه فراماسون برای

عادل مهربانم، وضع خیلی بهتر شده است و عکس العمل شدیدی در همه جا مشاهده میشود. بی احتیاطی و جسارت سوسیالیستها باعث شد که غضب ملت بر ضد یهودیان، که نه دم سوسیالیستها را تشکیل میدهند، تحریک شود و در تمام شهر هابر ضد ایشان تظاهرات انجام گیرد. مطبوعات انگلستان چنانکه عادت ایشانست، دولت روسیه را مسئول این تحریکات میدانند. چند نفر از روسها نیز در جزء ماجرا جویان بوده اند، ولی ملت خانه تمام انقلابیون را آتش زد و کسانی هم که از آتش رهایی یافتند بدست مردم قطعه قطعه شدند. اکنون خیالم کاملا راحت شده است. فرزند تو «نیکی» بدین ترتیب نخستین بار در سال ۱۹۰۵ در پیش از ۵۳ شهر و ۶۰۰ دهکده روسیه گروهی که معادل معانظ کار به پنج هزار نفر تعیین میزند، قربانی این توطئه شد. در سال ۱۹۱۷ که بلشویکها زمام قدرت روسیه را در دست گرفتند، این کتابچه بار دیگر بچاپ رسید و در مقدمه آن پرفسور «نیلوس» نوشته بود: «مسلطون که پیش بینی میشد، یهودیان مملکت ما را با آتش انقلاب کشیدند» و اکنون ها و کابونها معلوم از این کتاب بروسیه. فیدر و مخصوصا برای «پناورا» پیشوای «اوگران» که با بلشویکها در جنگ بود، فرستاده شد.

«پلتورا» تصور اینکه با یهودی کشی میتوان نائره انقلاب را خاموش کرد، شروع بکشتار آقوم نمود. تا ۱۹۲۱ دهه ای که معاهده کاران ۶۰ هزار و سایرین ۲۳۰ هزار گفته اند، قربان شدند. سپس این کتابچه بزبانهای آلمانی، بلغاری، مجاری، لیتوانی، یونانی، اسپانیولی، فرانسوی، انگلیسی و اوکرانی ترجمه شد و در شاخکهای، کوه، -الونیک، قاهره و امریکای جنوبی بچاپ رسید. در دست سه هفته پیش از آن هم که اعراب یهودیان را قتل عام کنند، چاپ مخصوصی از این کتاب بزبان عربی در دمشق منتشر شد. در امریکای این کتابچه از طرف جمعیت «کو کلو کس کلن» چاپ شد، و در آن بکاخ سفید حمله شده بود و یهودیان را زمامدار سیاست خارجی امریکا معرفی کرده بودند. در آلمان نیز این کتابچه با مقدمه ای قلم ژنرال «لودوند» رف «معروف منتشر گردید و در آن ژنرال مذکور مدعی شده بود که یهودیان بکمک سناد ارتش انگلیس و فرانسه و «پوانکاره»، «سرهربرت ساموئل»، «لینک»، «لرد روچیلد» و «لوید جرج» را از توطئه کشندگان یهودی و حامل مؤثر این ضربت معرفی کرده بود!

در انگلستان این کتابچه دوبار چاپ شد و چاپ دوم مد ها بوسیله اتحادیه فاشیست انگلستان تجدید طبع یات. در این موقع کار آگاهان برای کشف قضیه بکار مشغول شدند. نخستین چیزی که کشف شد این بود که «نیلوس» پروفیسور نبود و از زبانهای شرقی ابد اطلاعی نداشت و برخلاف مشهور مردی پلید بود که علاوه بر زن خود رفیقهای هم نگاه می داشت. پس از آن «کنت شایلا» را پیدا کردند و پس از استنباط معلوم شد که کتابچه بر حسب تقاضای «سرنهک

راشکوسکی» رئیس اداره جاسوسی روسیه، از یاریس فرستاده شده و به «گراندوشس الیزابت» تسلیم گردیده و مشارالیها آنرا برای چاپ به «نیلوس» داده است. کار آگاهان شش نسخه خطی دیگر نیز از این کتابچه یافتند، ولی هنوز جملی بودن اصل قضیه ثابت نشده بود.

کمی بعد شاهزاده خانم روسی موسوم به «راذزی ویل» که در امریکا بود، شهادت داد که یکی از دوستانش در پاریس بنام «گل وینسکی» بار گفته است که بر حسب دستور رئیس اداره جاسوسی روسیه او مشغول تهیه کتابچه ایست که منتهی بانهام کلی یهودیان خواهد شد و حتی کتابچه را بشاهزاده خانم و ندیده اش موسوم به «هربات» که خانم امریکائی بود برای مطالعه داده است.

شاهزاده خانم و ندیده اش تمام نشانیهای کتابچه، حتی لکه آبی رنگ آنرا ذکر کردند و مخصوصا متذکر شدند که جوهر در حضور خود ایشان روی کتابچه ریخته شده بود. در همین اثنا نسخه دیگری از این کتابچه در قسطنطنیه پیدا شد که متن آن با کتابچه ای که موضوع این مقاله است، اندکی اختلاف داشت. مثلا بجای عبارت «ما یهودیان» کلمه امپراطور نوشته شده بود. صفحه اول این کتابچه را بلندن بردند و بدست کارشناسان سپردند و در نتیجه معلوم شد که این نسخه کتابچه ایست که «موریس ژولی» نام در سال ۱۸۶۴ بر ضد ناپلیون سوم نوشته بوده است.

روزنامه نایز در روزهای ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ اوت ۱۹۲۱ متن این کتابچه را در یک تون و متن صورت مجلس جلسات سری یهودیان را در ستون مقابل آن درج کرد و بطور قطع و یقین ثابت شد که اداره جاسوسی روسیه برای از بین بردن آزادیخواهان، قوم یهود را پیراهن ششان کرده و باستساخ کتابچه «موریس ژولی» که نسخه ای از آن در موزه پاریس موجود بوده است، پرداخته، منتهی برخی از کلمات را چنان که در بالا گفته شد عوض کرده است. مسیبن این توصیه که از ۶۰ تا ۳۳۰ هزار نفر قربان آن گشتند، هر یک بطرف فجیمی مرده و یا کشته شدند اکنون در روسیه شوروی یهودیان از همه حیث با سایرین برابر هستند.

و اما در آلمان، هیتلر در کتاب معروف خود در اجماع این کتابچه نوشته است: «کوششی که یهودیان و مزدوررات ایشان برای اثبات جملی بودن صورت جلسات سری یهودیان کار بردند، بخوبی ثابت میکنند که مندرجات کتابچه حقیقت داشته است!»

دو حدود یکسال و نیم قبل نیز مطبوعات آلمان خبری انتشار دادند مبنی بر اینکه صورت جلسه اصلی پیشوایان یهود در شهر «مینسک» در بقمه ای از طلای ناب کشف شد.

گویا آلمان هیتلری میخواست با تجدید این انسانه برای کشتار میلبونها یهودی که بدست نازیها انجام گرفته و دهانه تازه ای داشته باشد و یا شاید می خواست بشل آینده آلمان بگویند که این بار نیز یهودیان بکمک سناد ارتش انگلیس و امریکا و از پشت بنا ضربت زدند!

اوضاع و احوال یهودیان شهرستانها

بابل

فرستاده شد آقای اسمعیل پاپی

فقوس - عده اسرائلهای بابل در حدود پانصد نفر می باشند که از این عده دو بیست نفر از طبقه متوسط و مابقی فقیر و بی چیز هستند، وضع فقرای اسرائلهای خوب نیست و نا بهال توسط کمکهای اسرائلهای معلی اداره شده اند. کلیه اسرائلهای کارگر، زارع و بالاخره رنجبر هستند که مواد اولیه تولید می کنند و تاجر و فروشنده و کمیسیونر و دلال و پیله و رخیلی کم است که جای بسی خوشوقتی میباشد. فرهنگ - در بابل مدرسه ملی نداریم و کلیه فرزندان اسرائیل مدارس دولتی میروند و در آنجا مشغول تحصیل می شوند، از تمام وسایل تحصیل فقط یک مکتب کوچک داریم که اطفال پس از طی دوره آن به مدارس دولتی میروند، عده دانش آموزانی که در مدرسه دولتی مشغول تحصیل هستند از پایه اول تا یازدهم پسر ۶۶ و دختر ۲۴ نفر است. انجمن تربیت بدنی، کتابخانه، جلسه نطق و خطابه و باشگاههای ملی که نهضت و جنبشی در روحیه خاموش جوانان ایجاد گرداند نداریم، در حقیقت بسا این نفوس و در چنین محیط کوچک و تاریکی نباید انتظار اینگونه تشکیلاتی را داشت، وضعیت بهداشت عمومی خوب نیست و خصوصاً در این نواحی که مالاریا خیز است، فقط یک حمام ملی داریم که بواسطه نداشتن پول از استفاده افتاده و دو کتیا که در آنجا ادای مراسم مذهبی میشود.

تشکیلات - در بابل يك حبر وجود دارد که بکارهای کتیا و مکتب نچه ها رسیدگی میکنند، دیگر انجمن خیریه، صندوق ملی و نهضت جوانان وجود ندارد. متغذین اسرائلهای این شهر عبارتند از: آقایان استوار، برادران بخشنده، برادران یاشار، رستگار، ظهوری، صیوت اصیل، الیاس صدیق پور، رفیع روشن دل.

نقشه اصلاحی - مهمترین عامل مؤثر برای اصلاح وضعیت عموم اسرائلهای بابل پول است که متاسفانه از آن بی بهره ایم و اگر از مغلی بما کمک شود با آن بخوبی میتوانیم کلیه احتیاجات ملی را مرتفع سازیم مخصوصاً آرزو مندیم بتوانیم دارای يك مدرسه ملی باشیم که در آنجا کودکان ما درس احساسات بیاموزند و عشق و علاقه بملت و ملیت خود پیدا کنند زبان عبری را که یادگار اجداد ما است و برای نگاهداری آن قربانیها داده ایم یاد بگیرند، انجمن تربیت بدنی برای جوانان درست شود که اندام ضعیف و پیکر نجفشانرا قوی و تندرست کنند، اگر چه اطمینان داریم کلوب اردن تهران مراحل اولیه خود را می بیند ولی جوانان ورزش دوست بابل انتظار که از ایشان دارند و آرزو مندند روزی بتوانند از نماینده اردن بدنی شایانی کنند که بیشتر ورزشهارا بجوانان بیاموزند. اگر بتوانیم ملای کار آرموده تحصیل کرده ای که بتواند بخوبی

از انجام شهیتا، کتوبا، میلا، تقیلا خواندن نامود تورا مر آید، استخدام کنیم خواهیم توانست مراسم ملی را بطور خوبی نگاهداری و اغلب امور اجتماعی را مرتب و معایب را ترمیم کنیم.

برای اصلاح معایب و بهبود وضعیت اسرائلهای بابل همه ساله به اشخاص با نفوذ تهران شفاها و کتبا مراجعه شده و از آنها تقاضای کمک میشود ولی متاسفانه تا بحال به نتیجه نرسیده ایم در سال ۱۳۲۰ حضوراً با آقای راب عزیز الله نیم مذاکره شد و با ایشان راجع باصلاح معایب اسرائلهای بابل وارد مذاکره شدیم ولی نتیجه ای نه بخشید.

در سال ۱۳۲۱ به آقایان دکتر آقاخان طوب، موسی طوب و راب عزیز الله نیم مراجعه شد باز هم بی نتیجه بود. در سال ۱۳۲۲ به آقایان پلاک - القانایان، راب نیم و دکتر آقا خان طوب بیچارگی اسرائلهای بابل را اطلاع دادیم ولی افسوس اقدامات ما سودی نداشت.

در سال ۱۳۲۳ شرح مفصلی از طرف کلمه جماعت اسرائلهای بابل در تاریخ ۲۳ و ۲۴ کتبا به آقای مراد اریه نماینده محترم اسرائلهای ایران در مجلس شورای ملی و آقایان راب نیم، پلاک، موسی طوب، و کهن مدیر دبیرستان اتحاد تهران نوشته شد و احتیاجات فوری اسرائلهای بابل را شرح دادیم و تقاضای کمک و مساعدت نمودیم ولی باز هم اقدام ما بی اثر بود.

اکنون که از همه جا نا امید شده ایم روی سخن خود را بکلیه اسرائلهای حساس ایران نموده میگوئیم عده قلیلی از اسرائلهای ایران که در محیط تنگ و کوچک بابل زندگی میکنند در نتیجه فاقد بودن فرهنگ، نداشتن مربی تعلیم نگرفتن آداب و رسومات مذهبی، خراب بودن بهداشت عمومی کم کم رو به نیستی و بیچارگی میروند. آلهای که خود را خدا شناس میدانند بما توجه کنند.

عالم یهود: تا موقتی که صندوق ملی اسرائیل های ایران درست نشود خیال کنیم انتظار شما از سایر شهرستانها بیورد باشد شما هم بکشید که در محیط کوچک خودتان نهضتی برای بوجود آوردن صندوق ملی شماید و آنوقت خودتان شخصاً بنام امورات ملی و بهداشتی و غیره بپردازید چند نفر اشخاص بانفوذ اسرائلهای تهران شاید بتوانند جواب احتیاجات شما و تمام شهرستانهای ایران را بدهند. اگر هر شهرستانی بکوشد با کوشش و جدیت زیاد خود را اداره کند و برای تربیت نسل آینده زحمت بکشد مطمئناً وضعیت اجتماعی ما بهرانب بهتر و خوب تر از امروز خواهد شد.

نهضت آنتی سیمیتیسیم

ترجمه: ۱. امید الحجاج

موتیکه هل اصلی پیدایش «آنتی سیمیتیسیم» یعنی ضد سامی بودن را از دوری بی طرفی تحقیق نمایم بهوسیله درمیابیم که این موضوع گذشته از دشمنی و حس نافر نسبت به یهودیان از یک چشمه وسیعتری که سر منشاء يك احساسات عمومی ترو کلی تری است جدا میشود. و آن در حقیقت همان عاملی است که در بین طبقات مختلف بشری: نژاد های مختلف، قبایل مختلف، ملل مختلف و بالاخره دستجات مختلف مذهب و غیره؛ موجب اختلافات شدید و کینه و عداوت های بزرگ و هیشکی می شود.

این يك امر کلی است: که يك ملت اشخاص را که از ملیت خود دور می بیند دوست ندارد و همواره نسبت با آنها کینه میورد؛ يك قوم اشخاصی را که چه از حیث قیافه و یا مذهب و زبان یا خود در مقابرت می بیند دشمن می دارد و بطور کلی حرکات و سکنات يك نفر «شخص خارجی» در همه جا و در همه احوال برای انسان کم و بیش نفرت آمیز است. مثلاً يك نفر اروپائی از لحاظ شکل و ساختمان طبیعی در نظر يك چینی فوق العاده زشت و بد ترکیب جلوه میکند و همینطور نژاد آلمانی و روسی و یا زبان انگلیسی در گوش يك فرانسوی یا آلمانی و روسی بد صدا میکند.

و همین طور مسلمانان نسبت بسایر ادیان بودایی و عیسوی و کلیسی و غیره متنفر و مخالف بوده و عیسویان نیز گذشته از مذهب خود نسبت بسایرین بدین میباشند.

از این گذشته وقتی بین افراد ملتی که از حیث اصول و معتقدات مذهبی با هم یکسان و برابرند دسته تازه ای جدا می شود که برای پاره ای از قوانین و اصول همین آئین تفسیرهای جدا گانه ای مینمایند یا بعبارت دیگر يك فرقه جدید مذهبی را تشکیل میدهند. دیری نخواهد گذشت که پیروان فرقه جدید يك نفرت شدیدی نسبت بسایر دستجات قدیمی و همکیش خود ابراز خواهند داشت.

اینکه برای اینکه روشن شود این حس نفرت حاصله از عدم شباهت و همانندی افراد بشر نسبت بیکدیگر تا چه حد بصورت طبیعی و عادی جلوه گر میشود کافی است جنگ های طولانی و خونین کاتولیکهای فرانسوی با پروتستانهای همان کشور را که دارای ملیت و مذهب و زبان و تاریخ مشترک و حتی اصول مذهبی مشترک بودند بغضاتر بیابوریم که تا چه اندازه سخت و بیرحمانه بوده است؛ در اینصورت آیا دیگر لزومی دارد که جنگهای بیرحمانه ایرلندیها و انگلیسیها، لهستانیها و روسها، چینی ها و ژاپنیها و بالاخره مناظرات یونان قدیم را خاطر نشان سازیم؟



عالم

شروع مسابقات کشتی باستانی اردن

طبق اگهی قبلی روز یکشنبه ۴ شهریور مسابقات مقدماتی کشتی باستانی با حضور عده زیادی از ورزشکاران و علاقمندان ورزش در محل کلوب اردن بعمل آمد. پس از قرعه کشی، یکی از آقایان قضات شرحی راجع ببطرز قضاوت داده و بلافاصله اولین مسابقه کشتی شروع شد. هر چند مسابقات زیادتر طول میکشید احساسات تماشاچیان و علاقمندان روغزونی مینهاد، در این دوره مقدماتی یازده مسابقه وزنی هم انجام شد که تمام آنها مورد تشویق حضار قرار گرفت. صحن مشعر کلوب ملو از تماشاچی بود و با استقبال شایان تقدیری که نموده بودند باعث دلگرمی و پشت کار ورزشکاران شدند. در هر مسابقه کشتی که پشت حریف زمین میرسید احساسات تماشاچیان زیاد میشد و با صدای زنده باد برنده مسابقه معرفی میگردد.

لحاظ کیفیات روحی و اصول دینی نیز با سایرین در مقابرت است و این امر صرفاً تابع این قاعده کلی است:

هر قدر اختلافات و عدم شباهت ملتی با سایرین بیشتر گردد و یا هر قدر کمتر دیگران بحقیقت این کیفیات آن ملت پی ببرند بهمان اندازه افراد آن ملت بیشتر مورد کینه توزی و نفرت سایرین واقع میگرددند. مثلاً بی رحمی و شقاوتی که آمریکاییها در برابر سیاه بوستان و قرمز بوستان از خود نشان داده اند بر مراتب شدید تر و ظالمانه تر از همان رفتاری است که در جنگ با آلمانیها نسبت بدشمن از خود بروز داده یا میدهند.

همین ترتیب روسها در جنگهای خود با ژاپون و چین بر مراتب بیشتر از جنگ با لهستانیها و آلمانیها قساوت و بی رحمی بخرج داده اند. از اینجا بما مدلل میشود که چگونه آت قتل عامها و بگرمهاییکه در روسیه و اوکراین نسبت به یهودیان اعمال شده بر مراتب سخت تر و ظالمانه تر از آن جنگها و مناوعات منقابه است که در بین اقوام و طوائفی که شباهت آنها بهم بیشتر از یهودیان و روسها است اعمال میشود.

یکنفر روسی، آلمانی، رومانی و حتی بعضی امریکایی ها یکنفر یهودی را بدو ملت بیشتر از سایرین پست و منفور میدانند اولاً بملت اینکه او را متعلق بملت خود نمیدانند ثانیاً بملت اینکه او را متعلق بملت یهود میدانند یعنی او یهودی است و از خود آنها نیست.

یهود

ساعت ۸:۵ بعد از ظهر دوره مقدماتی کشتی در میان هیاهو و تشویق تماشاچیان خاتمه یافت. کلوب ورزشی اردن نقشه های منظمی بمنظور پیشرفت و توسعه ورزش در بین جوانان تنظیم نموده که یکی پس از دیگری بوقوع اجرا گذاشته خواهد شد. امیدواریم هیئت ورزشی کلوب اردن با کمک ورزشکاران بتوانند روز بروز بر وسعت عمل خودشان اضافه کرده عشق ورزش را در بین جوانان بیشتر نموده و طرفداران و علاقمندان آنرا زیادتر نمایند.

بطوری که دیده میشود در اثر این مسابقات يك نهضت ورزشی بی نظیری بین جوانان شروع شده و از آماریکه بدست آمده است عده بیشماری عضویت کلوب را پذیرفته اند. ما انتظار داریم کلبه جوانان اسرائیل از موقعیت این کلوب استفاده نموده و حضوریت آنرا بپذیرند.

فقدان اسفناک

با نهایت تأسف و تأثر روز چهارشنبه هفتم شهریور ماه از خیر فوت مرحوم حاجی اسرائیل بر میان که یکی از افراد برجسته و لایق اسرائیل ایران بوده اند آگاه شدیم.

مرحوم حاجی اسرائیل یکی از افراد صالح و نوع پرست اسرائیل ایران بوده اند که بیوسته در خدمات اجتماعی و فرهنگی و امورات ملی پیشقدم بوده و نیز بحسبیت خاصی نزد عموم دوستان و آشنایان داشته اند.

این فقدان تأسف آور و غم انگیز در حقیقت ضایعه بزرگی برای جامعه اسرائیل ایران محسوب میشود.

ما این پیش آمد ناگوار را بعموم جامعه اسرائیل ایران بویژه بیازماندگان آن مرحوم و خاندان بر میان که از خانواده های اصل و خدمت گذار می باشند تسلیت گفته سعادت و سلامتی آنها را از خدای متعال خواستاریم.

بر حسب دعوتیکه از طرف انجمن کلیبیات تهران در روز شنبه ۱۰ شهریور ساعت ۵ بعد از ظهر بعمل آمده بود مجلس تذکری بیاد بود فقید سعید مرحوم حاجی اسرائیل بر میان جواهری در کنیسیای حمیم برقرار بود.

ساعت ۵ آقای مراد اریه نماینده محترم کلبیان مجلس را تا تعلق مهج خود افتتاح و شرحی مبنی از معاصر و ثبات خیر و اسرائیل دوستی آن مرحوم ابراد نمودند.

سیس آقای عبدالله ناسی خدماتیرا که فقید سعید بفرهنگ و بهداشت اسرائیلهای ایران و زحماتیرا که در موافق صنعت بجامه اسرائیل نموده اند گوشزد و متذکر شدند که آن مرحوم چه قدمهایی در هر موقع برای تجدید صلح و صفا بین فامیلهای از هم گسیخته و برای نزدیک کردن برادران و یادوستان و بنا شرکایی که بین آنها ایجاد خصومتی شده و دکشیده است. بعداً آقای مروه اظهار امیدواری کردند که آقای بقوب بر میان کدروی و سایر برادرانش با ادامه عملیات خیر خواهانه پدر فقیدشان نام ایشان را برای ابد در جامعه اسرائیل تهران لکه ایران زنده و جاری نگهدارند و پس از رشته ای مذاکرات متذکر شدند نتیجه ای که ما میگیریم آنکه هر یک از ما باستی از آن فقید تاسی نموده و برای ملت حاجی اسرائیل باشیم.

بعد آقای ربانی در تائید فرمایشات آقایان نامبرده از حضار تقاضا کردند بیاد آن مرحوم ایستاده و یکدقه سکوت نمایند سپس با خواندن هسکاوا و سیاسگذاری فامیل بر میان از حضار مجلس ساعت ۸:۵۰ بعد از ظهر پایان پذیرفت.

استمداد اسرائیل های بابل

از جامعه اسرائیل تهران

برادران اسرائیل تهرانی

راجع باعزام یکسفر ملا جهت بابل که قبلاً تقاضا شده بود لازم شده برای تعیین میزان احتیاج این برادران دور افتاده شما و روشن نمودن حالت پریشان ما بیشتر توضیح دهیم.

جمعیت اسرائیل بابل را ۲۲۷ نفر مرد و پسر و ۲۵۸ نفر زن و دختر تشکیل میدهد که فقط یک خانواده طبقه اول و ۳۰ خانواده طبقه دوم و ۴۰ خانواده سوم و بقیه چهارم میباشد.

طبقه ۳ را باندازه ای در مضیقه مادی هستند که اگر حیثیت ملی مانع نبود دست تکدی به پیش اشخاص غیر اسرائیل دراز میکردند. چشم پوشی از وضعیت اسفناک اسرائیل های بابل و چشم پوشی از تنگدستی اکثر افراد آن میخواهیم توجه برادران ملی خود را بفرق معنوی که ما را تهدید میکند جلب کنیم.

دارای هیچگونه وسایل تعلیمات ملی و مذهبی نیستیم حتی اکثر افراد ما خط عبریهم نمیدانند عده از آداب و رسوم ملی کاملایی خبر. قوانین و تشریفات مذهبی را فراموش کرده اند.

بنابر این احتیاج مبرمی بوجود یک ملا که در واقع پیشوای ملی و دین باشد داریم. و بودجه ای که توانسته ایم بزرگت تهیه آنرا دو نظر بگیریم مبلغ ۱۴۰۰ ریال در ماه است. البته این مبلغ ناچیز که بیشتر از آن از عهده ما خارج است برای یک نفر ملا کافی نیست.

بنابر این از برادران اسرائیل تهران مخصوصاً جناب آقای اریه نماینده محترم ملت اسرائیل استمداد میطلبیم که برای فقط

حیثیت ملت اسرائیل و جلوگیری از متواری شدن افراد آن و برای کمک به پیشرفت و فقط رسوم ملی و مذهبی بدرد ما رسیدگی و گوش بفریاد و ناله ما بدهید. که بودجه ای که لازمه نگهداری یک پیشوا باشد برای ما نامین ننمایید. فعلاً وظیفه ما اشتغافه و طلب کمک است و چشم براه دوخته و دست بجانب شما دراز نموده که ما را از خطر حتمی بی اطلاعی از دیانت و دوری از ملت خود برهانید. و اگر بتدریج این عهده از برادران شما از ملیت خود خارج شوند تاریخ شما را مقصر میدانند.

از طرف کلبه جماعت اسرائیل بابل متجاوز از بیست و پنج امضاء

قطعه نامه باقیماندگان اسرائیل اروپا

بوجود معاصیه ایکه بوسیله الیاهو دوبکلین بعمل آمده است از نه میلیون یهودیان اروپا فقط در حدود ۱۴۰ هزار نفر باقیمانده که ۲۵ هزار نفر از آنها به ایتالیا رسیده نمانده شده و بقیه آنها در تحت شرایط خیلی سخت در اردوگاه های جنگی که برای آنها تهیه شده است زندگی میکنند و بطوریکه دوبکین اظهار اطلاع میکند در جلسه ای که بوسیله نمایندگان یهود تشکیل شد ۱۲۰ تن از نمایندگان ساکن اردوگاه هادر آن حضور یافتند و پس از یکرشته مذاکرات تمام آنها حاضر شدند که با هر شرایطی که ممکن شود به ارض اسرائیل مهاجرت نمایند در این جلسه پسر ۶ ساله ای نیز که تنها باقی مانده اردوگاه (اوشوین حییم) که در آن ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر مقبول شدند حضور داشت.

درین این اشخاص عده کثیری جوانان وجود داشته که با اشتیاق زیاد برای مهاجرت بطورح اوصول با ارض اسرائیل حاضر بودند. ضمن این اشخاص نیز عده کثیری از سربازان و افسران یهود بوده اند که در لشکرها ی یهود بوده و میچنگیدند و تعداد زیادی از آنها تازه از بیمارستان خارج شده و اکثر دست و پایی آنها شکسته بود.

ذیلا قطعه نامه ایکه از طرف آنها صادر شده است بطبع میرسد.

«ما بقیه السیف یهودیان اروپا که برادرخواهر یا پدر و مادر و فرزندان خود را در راه مبارزه با نازی ها در گتو ها و کشورهای اروپایی از دست داده ایم به چوچه حاضر نیستیم بار دیگر در کشورهایمانی که قبل از جنگ زندگی میکردیم یعنی در زمین هاییکه امروز برای ما قبرستانی بیش محسوب نمیکردند لحظه ای زندگی کنیم و درخواست ما از کشورهای آزادبخواه این است که درهای ارض اسرائیل را بروی ما یهودیان باز کنند تا در سایه کوشش و زحمت خودمان بتوانیم آتیه خود را تأمین نموده و زندگانی نماییم و درخواست دوم ما عبارت است از اینکه در تمام کشورهای جهان تساری دوحقوق برای ملت اسرائیل قائل گردند.»

بخش کودکان زیبا



پدر و مادر این بچه زیبا عکس طفل شانرا برای ما فرستاده اند که در اینجا چاپ کنیم و تقاضا کرده اند از این بچه بعد در صفحه مخصوص کودکان عکس بچه های قشنگ

و نازنین خوانندگان را چاپ نمایم، ما هم این تقاضا را می پذیریم و بکسانی که بچه های شیرین و قشنگی داشته باشند پیشنهاد می کنیم حتما عکس آنها را برای ما بفرستند که چاپ کنیم، سن اطفال تا ۱۲ سال هم باشد مانعی ندارد.

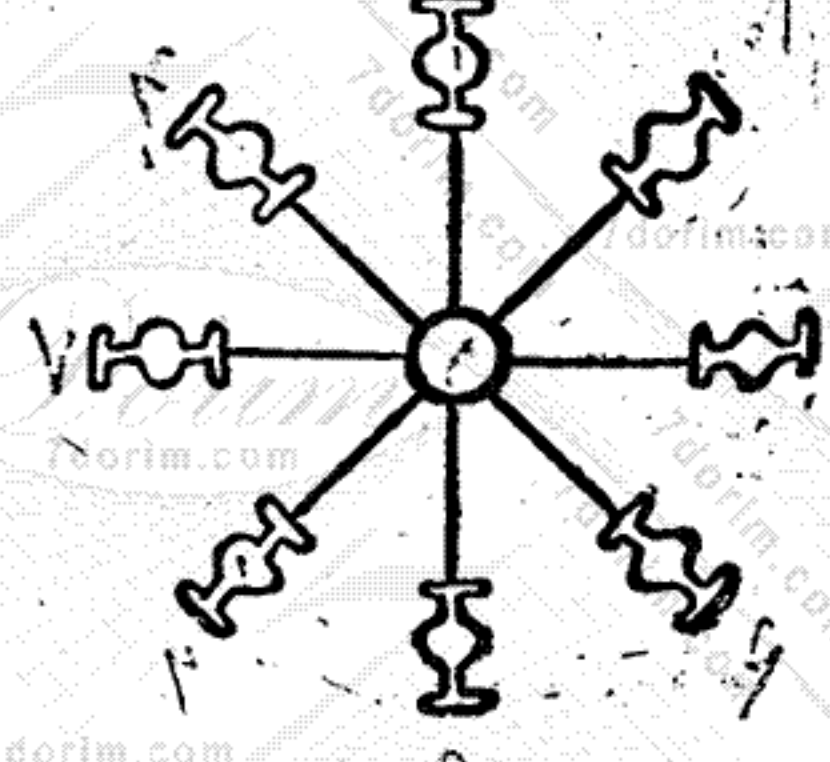
بزیبا ترین کودکان یک گلدان نقره جایزه می دهیم

بچه های عزیز

ما اطمینان داشتیم داریم که در وجود شما بقدری استمداد و نیروی ابتکار وجود دارد که اگر بوسایلی آنها را بیدار کنید و بکار بیاندازید مطمئناً روزی از اشخاص مشهور و افراد لایق و معروفی خواهید شد که چشم نام جهانین بشما متوجه میگردد و نه فقط باعث افتخار پدر و مادر عزیزتان خواهید شد بلکه مایه سرور و وجد تمام اسرائیلی دنیارا فراهم میآرید، همین منظور بود که از قسمت گذشته یک صفحه عالم یهود را بشما اختصاص دادیم ولی هیچ باور نمیکردیم تا این اندازه مورد لطف و محبت بی دریغی شما قرار گیریم.

نامه های بیشارتان که بهترین نمونه از علاقه شما بفرقی و پیشرفت است با رسیدن سعی خواهیم کرد کلبه تقاضاها با ما را بر آوریم و آنچه را که ما بلید انجام دهیم فقط یک خواهش از شما داریم و آن اینست که تمام مطالب این صفحه را بدقت بخوانید و آنچه را که بشما یاد میدهیم حتما انجام دهید.

فرشته



معما

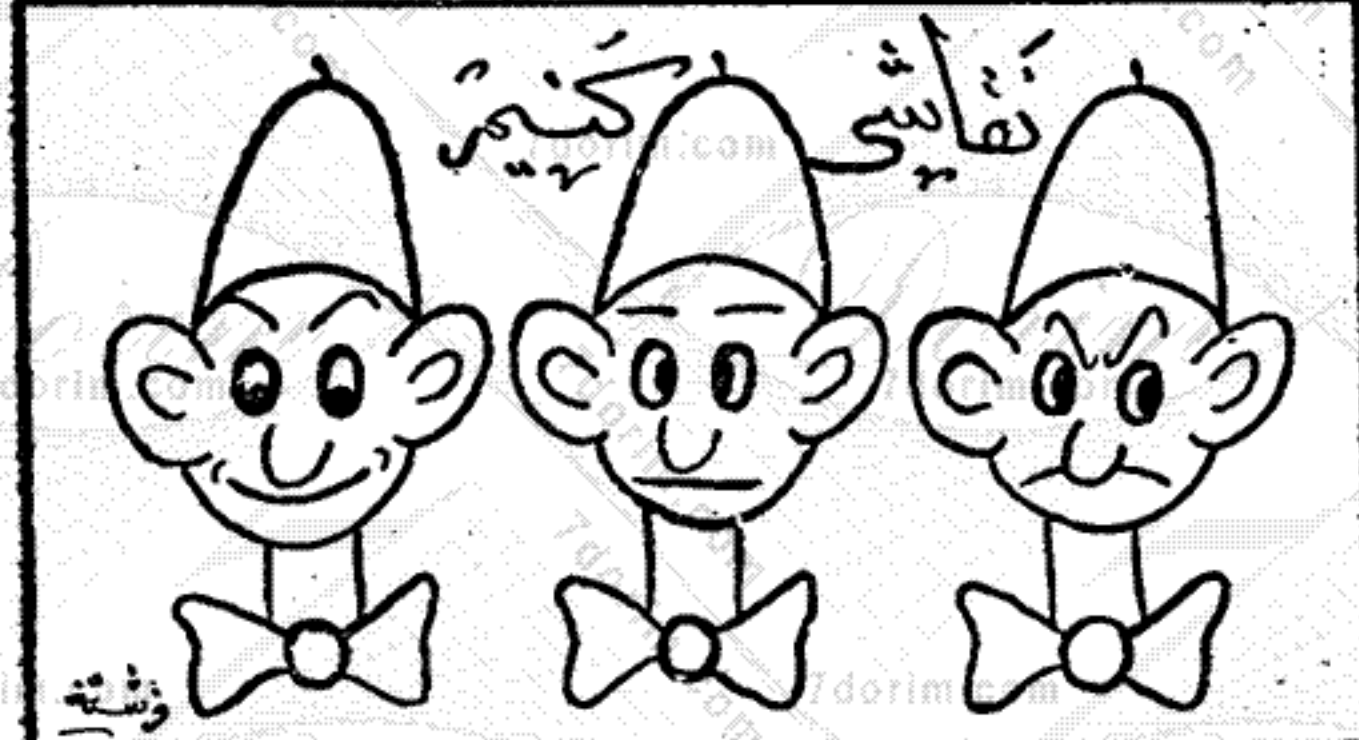
از شماره ۱ تا ۹ را طوری در این خانه ها قرار بدهید که مجموع هر ستون آن ۱۵ شود.

ودکان



نقاشی کنید

بچه های عزیز بنا به تقاضای یکی از شما ما از این شماره به بعد مرتباً بشما تعلیم نقاشی می دهیم تا اگر ذوق دارید، مطابق دستور های ما عمل کنید. نقاش ماهی، ماهی، ماهی.



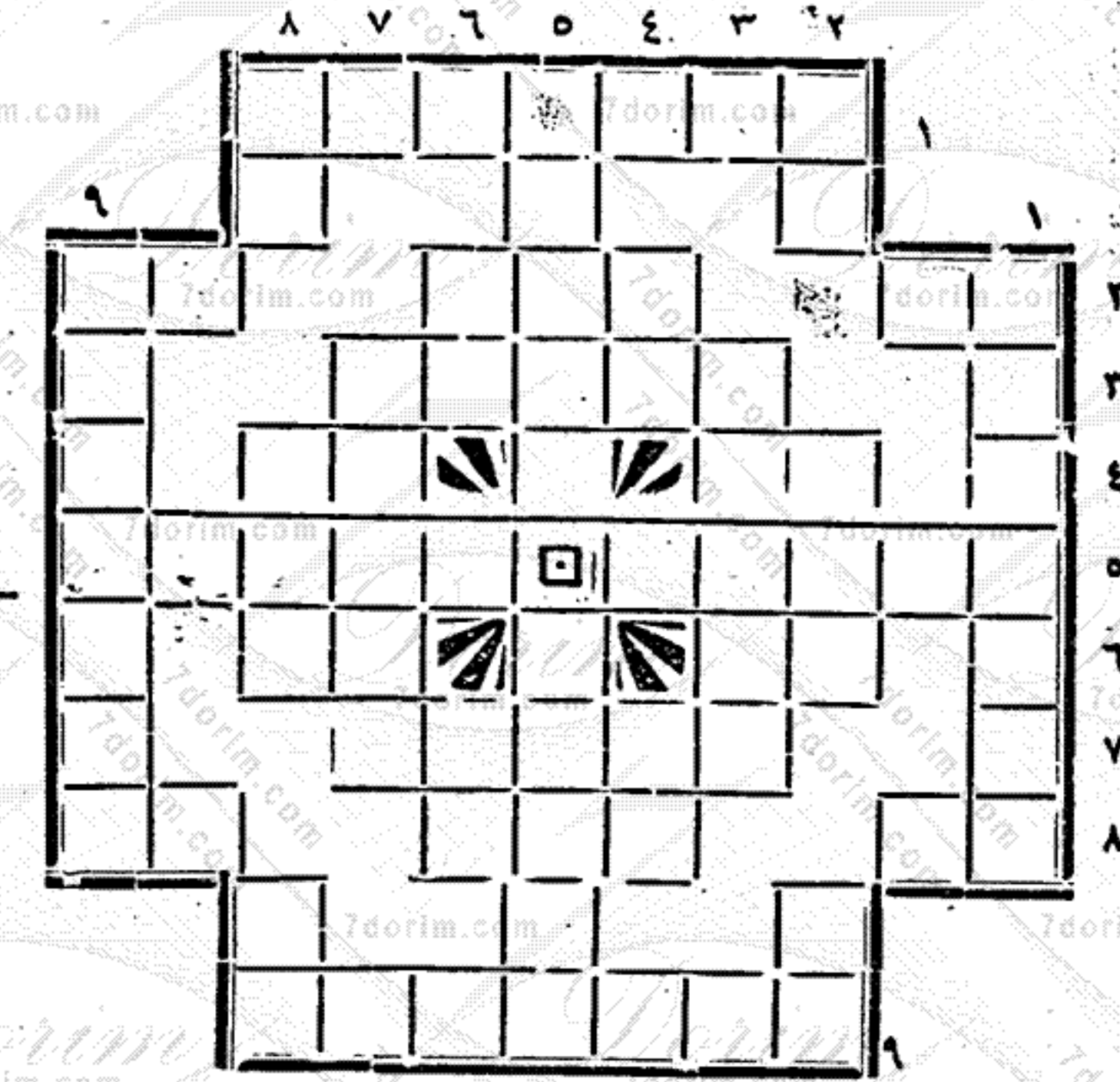
با دقت باین عکسها نگاه کنید. هر سه آنها یکی هستند ولی با این تفاوت که چشم و ابرو و دهان آنها تغییر میکنند، چند مرتبه از روی آنها بکشید بعد سعی کنید از خودتانهم چند شکل بکشید، اگر دیدید خوب و ظریف درست کرده اید آنها را برای ما بفرستید که باسم خودتان چاپ کنیم.

قصه برای کودکان

بقلم حنیفا هلمند

بچه های عزیز، ما هر هفته در این صفحه یک قصه قشنگی برای شما می نویسیم بشرطیکه شما هم قول بدهید حافل باشید و هر روز صبح زود بدمرسه بروید، درسهای خودتانرا خوب حاضر کنید، با ادب و با تربیت باشید و نمونه خوبی برای ملت اسرائیل گردید و از همه بالاتر رضایت پدر و مادر عزیزتانرا فراهم آورید، اینک قصه را شروع میکنیم.

یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچکس نبود، یعنی از اول فقط خدا بود و این دنیا را بوجود آورد و شاید روزی این دنیا از بین برود ولی خدای بزرگ همیشه خواهد بود. خداوند در تورات مقدس فرموده است اگر کلبه او امر مرا جا آوری محصول زمین تو فراوان خواهد بود ولی اگر برخلاف دستورات من رفتار نمائی آسمان تو مس و زمین تو مفرغ خواهد بود یعنی قحطی میشود. میدانید تا دوره حضرت سلمان اسرائیل متحد بود و بسوی خدا میشتافت، همیشه



طرح کننده: آزاد پزشک راده آقایان

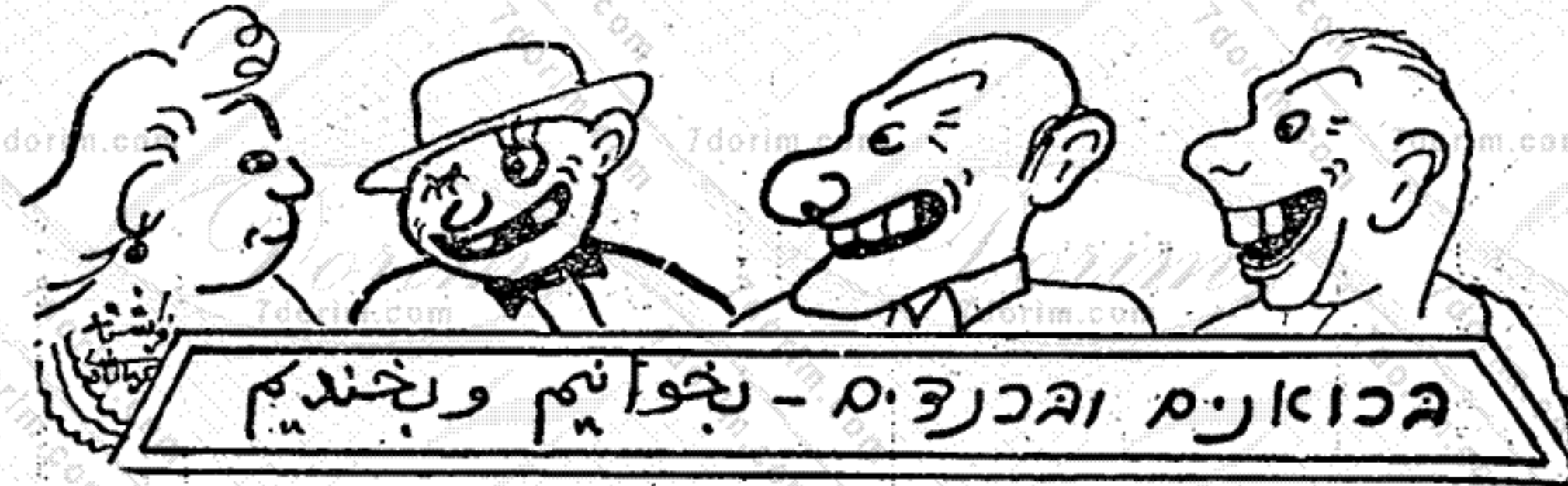
انگلی:
 ۱ - بخشی است از یزد ۲ - مغف اگر - حیوانی است که پوست آن قیمتی میباشد - مگوش معشوقه بلبل است ۳ - اوضاع ۴ - جزو آستان هشتم است - خون خداوند هم با آنها مهربان بود ولی بعد از موت حضرت سلیمان بین اسرائیل نفاق افتاد و مردم بجای خدا پرستی بت پرستی کردند!
 (مثل امروز که بزرگان ما بجای اینکه باهم متحد شوند و بفکر تربیت شما اطفال باشند و مدرسه را خوب اداره کنند باهم نفاق دارند و دشمنی می کنند)
 خداوند بوسیله یکی از پیغمبران سلطان وقت و بمردم پیغام داد. اگر دست از گناهان بردارید و بسوی خداوند برگردید دیگر بازان نخواهد بارید و قحطی میشود ولی پادشاه و مردم بجای اینکه حرفهای پیغمبر را بشنوند و بطرف خداوند برگردند، پیغمبر را گرفتند، او را حبس کردند و گفتند

برندگان جوایز جدول صیون نیست

قوت ۵ صفحه ۹
 از کله جوانها تیکه تا امروز رسیده است فقط ۴۸ نفر بشرح زیر جدول را صحیح حل نموده اند.
 از تهران - آقایان: شکرالله خرمیان - آشرامید و رحمت الله یوسفید - شاهپور صداقت - نجات الله روحانی - ه. اسحق پور، دادر فرزاد کاشانی - حبیب الله یزدی - روبین ملمد - عنایت الله ملمد - عزت الله امین زاده - صیونت دالی زاده - سلم ربیع - یعقوب بانار - اسکندر لاریان - یعقوب هارون - دادر بی بیان - خلیل مبطاحی - عزت الله ابراهیم زاده - منصور سوفر - روح الله هجیان.
 از شهرستانها - دوشیزه ویکتوریا بستانی آقایان: ناصر هدی - بنیامین عبریانی - سعید کهنم - شوئل سموحالی - مسیح سلیمانی - رحمن نیسانی - حبیب الله طیبیان - نعیم سالم هارونی - آزاد پزشک راده آقایان - م. آ. میرمند - ع. خانابا زاده - نصیر پزشک راده سلیمانی ناصر منصور - سلیمان منصور - الیاهو دارشان - علی الیاهو نجانی، ابراهیم خردبار بین شرکت کنندگان قرعه کشی در نتیجه از تهران آقای سلیم ربیع و از شهرستانها آقای حبیب الله طیبیان برنده شناخته شدند - برای هر یک از ایشان از قسمت ۸ به بعد اعلام ارسال میشود.

در آن جاری است ۵ - اعتراف - از آنطرف آبادی است ۶ - واحد - مادر بزبان عربی ۷ - یکی از نه سیاره است ۸ - یکی از فلزات - شهرستانی است در فارس - خشکی ۹ - پایتخت فلسطین.
عربی:
 ۱ - اولین کسیکه خدا را شناخت ۲ - صنم - گریزان - درختی که تلخ است وی ۳ - سرشت ۳ - مکان ۴ - معکوش بمعنی مرز است - برای عبور در روی رود بسته میشود ۵ - در هوا پرواز می کند - سپاس ۶ - علامت جمع در فارسی - معکوش نام کاشف میکرب خنق است ۷ - جمع لرد ها ولی غلط است ۸ - نمی شنود - قدم ۹ - کشته است ۹ - با افزودن «ك» نام معترض چاپ است - بحکم قرعه به ۲ نفر - جایزه داده خواهد شد

اگر قحطی نشود حتماً ترا میکشیم!
 زمستان شد، باران نبارید، تمام بیابان و درختان خشک شدند، قحطی کم کم شروع شد و بطوری شدت پیدا کرد که مردم تا آن تاریخ یاد نداشتند، روز بروز وضعیت مردم بدتر شد تا بجایی که گوشت حیوانات میخورند فریاد اشخاص ضعیف و فقرا بعد اعلام رسید. در این وقت مردم کم کم حس کردند که بواسطه گناهان خودشان بوده است که باین بلیه گرفتار شده اند، دسته دست با خجالت و شرمساری زیاد دووهم جمع شدند و با گریه و زاری از درگاه خداوند تقاضای کمک نمودند.
 بقیه در شماره آینده.



دوایانم ادر ۵ - بخوانیم و بخندیم

کتر انجی زرنک
 صاحب کار - در کارها کمی تأمل داشته باش، مگر نشنیده ای که خداوند زمین را در عرض شش روز خلق کرد - اگر با من قرار داد می بست دوروزه تمامش میکردم

ورم انگشت

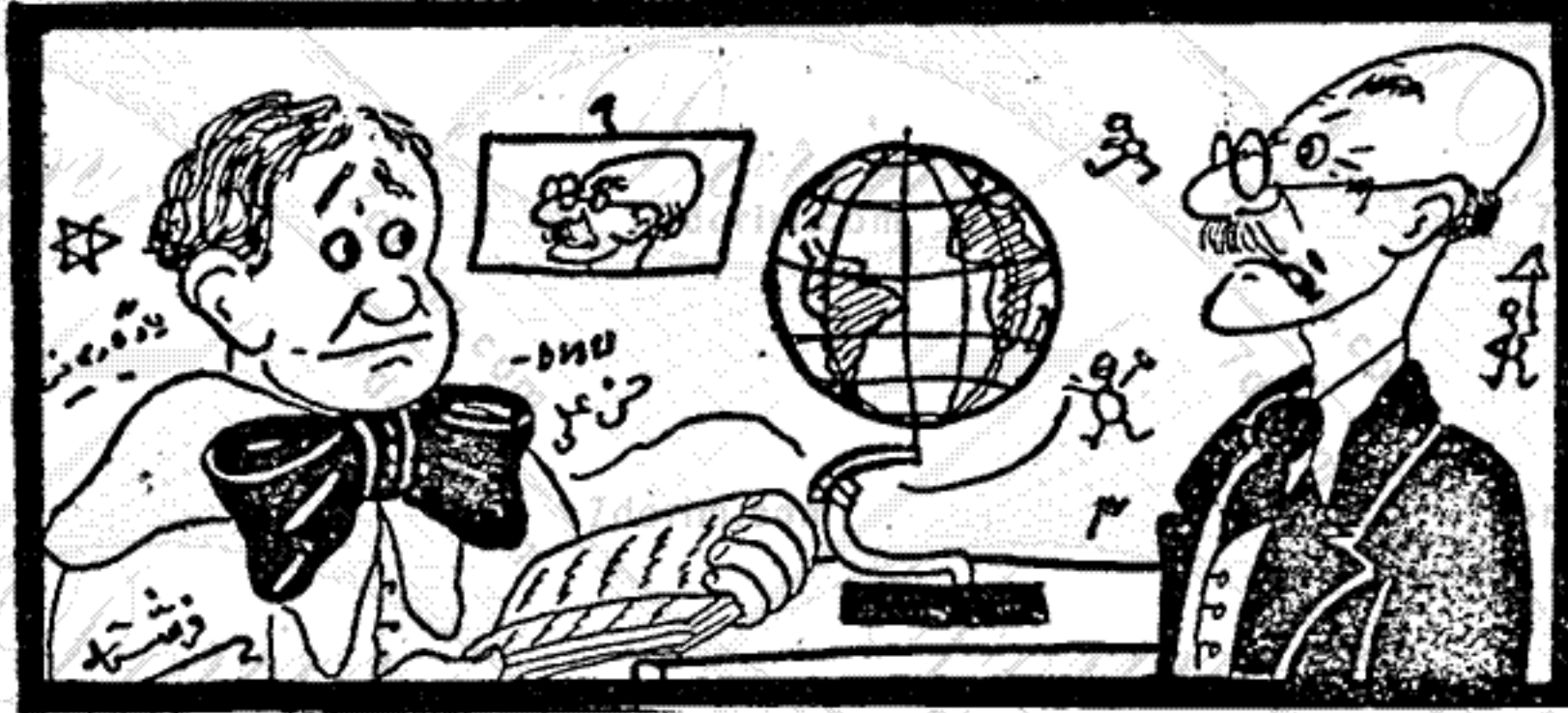
یکی از انگشتان دست خانمی زخم و متورم شده بود بجراح رجوع کرد و انگشت سالم پهلوی آن انگشت را نشان داده گفت: آقای دکتر این انگشت را قطع کنید - چرا خانم این انگشت شما که کاملاً سالم است - آخر میخواهم آن یکی برای ورم کردن جاداشته باشد

دلوزی بچه های امروز

بابا جان! بابا جان! بیای اینجا از يك خرج بزرگ راحت کردم - چه خرجی عزیزم بگو به بینم! - اسباب از امتحان رده شده ام دیگر لازم نیست برایم کتاب تازه بخرید!

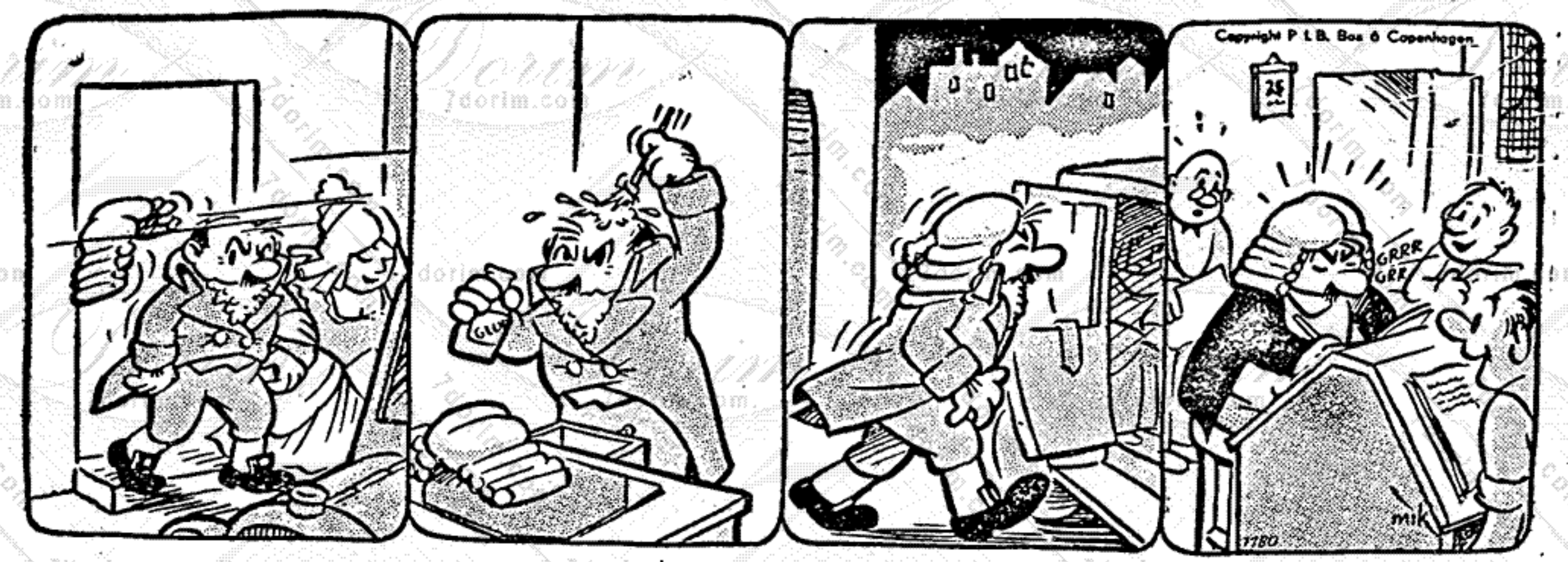
مذاکره در باغ

باغبان باشی - چرا در فکر ازدواج نیستی - مگر نمیدانی پدر بزرگ ما که باغبان بهشت بود از زناشویی با حوا سعادتمند شد - اتفاقاً در نتیجه ازدواج با حوا بود که از باغبانی بهشت محروم شد



تفهیمی
 رفیق توسیگاری هستی - خیر من ذغال فروشم و این سیاهیا مال خاک ذغال است - نه، مقصودم اینست که سیگار نیکی کنی، - آدم ذغال فروش ذغال میکشه سیگار که نیکیشه - (باحالت هصبانی) هو چرا اینقدر تفهیمی مقصودم - اینست که اهل دود نیستی؟ - چته هو؟ من اهل ششک هستم معدن ذغال منک

داستان بدون شرح



۵ ریال

کتابخانه علمی

عالمی

کرد آورنده
مهندس بوستانی
حبیب الله لای

نشانی:

خیابان چریل
کوچه گل کار شماره ۷

قیمت ۹

کتابخانه علمی

«یکصد ریال جایزه»

برای هر کس از این کتاب که منتشر میشود یکصد ریال جایزه تخصص داده شده است بدین طریق که هر کس این کتاب دارای امره ای خواهد بود و بین نه مرتبه قرعه کشی خواهد شد پس این صاحبان را که چهارم و پنجمت خود را بیازمالد باید یکصد ریال نصیب همسرود.

برنده این قسمت در قسمت دهم اعلام میشود

برنده جایزه قسمت ششم این کتاب دارنده شماره ۶۳۷ می باشد که با ارائه قسمت ششم این کتاب مبلغ یکصد ریال نقداً پرداخت می شود.

دومین مسابقه اردن بزرگترین مسابقه دوچرخه سواری بین جوانان اسرائیل تهران

از کرج الی تهران بمسافت ۳۶ کیلومتر از طرف کلوب ورزشی اردن روز جمعه ۲۳ شهریور به عمل خواهد آمد سه گلدان نقره نفیس برای برندگان نقرات اول و دوم و سوم بجایزه گذاشته شده است برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتری بمحل کلوب واقع در سه راه شاه کاشی شماره (۱۰۱۹) مراجعه فرمایید هیئت رئیسه کلوب ورزشی اردن

عکس پشت جلد

دووجه قوی و نهضت ترقی خوامی توده های جوان پسر و دختر در فلسطین برای تجدید حیات ملی و بدست آوردن افتخارات بزرگ گذشته باعث خوشنودی عموم افراد اسرائیل دنیا است. در فلسطین همه کس پیر و جوان، زن و مرد، بنظور حفظ حیثیات ملی کار میکنند، زحمت میکشند، خرابی ها را آباد میسازند، زمین های خشک می حاصل ربابار دارمی کنند و در طول چند ساعت کوتاه چند عمارت بلند میسازند، بله آنها با این عمل پسندیده و قابل تقدیر شان می خواهند دنیا بفهماند ملت اسرائیل هم ملت زنده و بزرگی است که باید با افتخار کامل زنده بماند و زندگی کند. عکس روی جلد یکی از هزاران دختر فلسطینی است که با اشتاق و ذوق زیاد کار میکند و انگور می چنند.

بنگاه الکتریکی شناسا

تعمیر گاه رادیو و کلیه دستگاه های برقی قبول هر نوع سیم کشی خرید و فروش اجناس برق نشانی - خیابان منوچهری جنب چهارراه کنت شماره ۹۵۸ شرکت (سهامی) چاپ



بخوانند گاه عزیز و نه اندگان محترم عالم بهبودی متننی است من بعد کلیه نامه های خودتانرا فقط بآدرس زیر ارسال فرمایید. تهران - خیابان چریل - کوچه گل کار شماره ۷

بهای پیش خرید قسمتهای کتاب عالم بهبودی تا مدت شش ماه یکصد ریال است که قبلا دریافت میشود.

کتابخانه علمی
عالمی
و کانون فرهنگی
و ادبی

هکرون הקימת לישראל
ירושלים